

است معروف به **کشاف دیگر** و **کتاب المفصل** ، در نحو . **مقدمة الادب** (کتاب لغت عربی بفارسی) **کتاب الامکنه** (در جغرافیا) **نوابغ الکلم** (مجموعه ایست در اجیع بضرب المثلهای متداوله ، اطواق الذهب در اخلاق) (رحلت ۵۳۸)

این دانشمند گذشته از معلومات ادبی دارای اطلاعات فقهی بوده تألیفات او عبارتست از : **مصباح** (در معانی لغات فقهی)
المغرب فی ترتیب المغرب (در لغات مترادف) **الاقناع**
(شرح مقامات حریری) رحلت او در سنه ۶۱۰ واقع شد .

ابوالفتح
ناصر المظفری

سراج الدین یوسف السکاکی در خوارزم متولد شد و مؤلف **مفتاح العلوم** در نحو و علم بیان است .
(رحلت ۶۳۶)^۱

سراج الدین
یوسف السکاکی

۱ - مشاهیر علماء نحو و علم اللغة غیر از آنچه در متن ذکر شده :

محمد بن احمد المستنیر از موالی است در عصره متولد شده معروف به قطرب و شاعر سیویه است (رحلت ۲۰۶) کتاب « **المنزلت** » تألیف اوست

الأصمعی « **عبدالملک** » اصلا عربی است و در عصره متولد شده تألیف مستندی دارد
مجموعه کتاب الحاصل - (رحلت ۲۱۶)

المسرود « **محمد بن یزید** » در عصره متولد شده و مؤلف کتاب « **کامل** » در نحو است
(رحلت ۲۳۸)

ابن ذریرک « **ابوبکر محمد بن الحسین** » در عصره متولد شده و اصلا عجمی است مؤلف
جمهره مؤکتاب الاتفاق است (رحلت ۳۲۲)

المفضل صاحب کتاب الامثال و مصیبات (رحلت ۱۷۰)

ابن الاعرابی « **محمد بن یزید** » (رحلت ۲۳۱)

ابوالعباس ثعلب « **احمد بن یحیی ابن الاعرابی** » مؤلف کتاب الفصح و قواعد الفصح
(رحلت ۲۹۱)

المظفر « **ابوعمر محمد بن عبدالواحد الزاهد** » (رحلت ۳۴۵)

ابن اثیر « **صیاح الدین محمد الامام نصرالله** » در حریره ابن عمر در ساحل حله در کردستان
تولید شده و حدیث صلاح الدین را قسوس کرده است مؤلف المثل الساس برهان الارهاز و غیره
است (رحلت ۶۳۷) ابن اثیر را نباید با محمد الدین بن اثیر که مورخ مذهبوری است یکی دانست

تاریخ

اولین مورخین اسلام بنگاشن «معازی» یا جنگهای حضرت رسول پرداختند و پیشرفت علم حدیث که یکی از پایه‌های اساسی حقوق اسلام است موجب شد که بیش از پیش در شرح حال شارع معصوم اهتمام شود و همچنین تحقیق در اشعار قبل از اسلام محققین را بر این واداشت که در اطراف قضایای تاریخی که ضمن اشعار بدان اشاره شده توجهی نمایند.

یکی از مشاهیر صدر اسلام «حماد بن شایب» معروف به الراویة است سابقاً اشاره بحیات این دانشمند ایرانی شد و گفتیم که یکی از استادان مالک بن انس است. الراویة اعجوبهٔ زمان خود بشمار میرود و در کلیهٔ معلومات آن عصر دست داشته و میتوان گفت دائرة المعارف متحرک بوده چه به فسطح در حدیث و تفسیر بلکه در علم اسباب، لمحه‌های مختلف عرب و تشخیص انشاء جدید و ویدیم نازی و اشعار دوره جاهلیت و عهد اسلام متحرک بوده است. ذکر او در این محل از این سبب است که این مرد ایرانی الاصل (پسر شایب و رطلی) در تاریخ عرب هم اطلاعات وافیه داشته و در این خصوص زحماتی کسینده است.

از طرف دیگر مورخین اسلام اطلاعاتی راجع بتاریخ پیود و افسانه‌های ملی ایران حاصل نمودند و ترجمهٔ حداینامه و کتب دیگر از فارسی عبری مان تحقیقات را ماز کرد.

مشاهیر و دانشمندان ایرانی که در این رشته در زمان عرب رحمت کسینده‌اند از این قرار است

احمد بن یحیی معروف به اللادی در زمان خلافت عنو کل
 الباندی
 و مسنعب و معمر میرسنه و معمر تعلیم و تربیت هر چند خود
 «عبدالله» رباب و او گذار کرد تألیفات او عبارتست از کتاب فتوح البلدان - اسباب
 الاشراف و عهد از دستیر که از فارسی عبری ترجمه کرده این دانشمند بواسطهٔ
 صرف مقدار کثیری «بالذره» متلاطم مرص، ده‌انجم، سد و دران آرد، رحلت نموده (۲۷۹)

محمد بن جریر در آمل طبرستان پدنیاً آمده و بهصر، شام و

طبری

عراق مسافرت نموده در علوم مختلفه از قبیل حدیث، فقه

و تفسیر و تاریخ معام بسیار از حمدی حاصل کرد **کتاب تهذیب الاخبار و تفسیر**

کبیر، اخبار الرسل و الملوک (تاریخ مشهور) از تألیفات اوست (رحلت در بغداد ۳۸۰)

ابوالفرج اصلا عرب و از اخلاف بنی امیه است و در اصفهان

**ابوالفرج معروف
باصفهبانی**

متولد شده و در بغداد تحصیل کرده است. تألیف مشهور او

«**کتاب الاغانی**» است که او دارای مطالب مهم ادبی و

تاریخی است (رحلت سنة ۳۵۶)

عمادالدین کاتب اصفهانی که او را الهه عقاب مینامیدند در

**عمادالدین
کاتب اصفهبانی**

اصفهان متولد گردید و در مدرسه نظامیه بغداد تحصیلات

خود را پایان رسانید و در اغلب جنگهای صلاح الدین ایوبی

با او همراه بود و پس از آنرا اختیار کرد و به تحریر و مطالعه مشغول گردید.

تاریخ صلاح الدین و فتح شام را برشته تحریر در آورده و از تألیفات او یکی «**الهرق**»

«**السامی**» است که بدان عنوان تاریخ زمان خود را در هفت جلد مرقوم داشته و دیگر

«**نصرة الفتره**» (تاریخ سئحوقین و دررای آنها) و **حریدة القصر** (تذکره شعرائ قرن

ششم هجری) است رحلت او در سنة ۵۹۷ رح داد

ابوبصر محمد عقی اصلا عرب است ولی در ایران متولد شده

عقی

و در بغداد ساکن گشت و پسرش محمود عربی مشاغل مهمی

داشته شاهکار او **کتاب الیمیمی** است در تاریخ یمین الذلّه محمود (رحلت ۴۲۷)

همراه از فرقه شعوبیه بوده و حدیث نموده است املاء صحیح

همره اصفهبانی

اسامی تاریخی ایران را بدست آورد و تاریخ او را این حیث

قابل توجه است

سمعانی در مر و متولد شد و ملتفت به تاح الاسلام است ملحق

**سمعانی
(ابوسعید عبدالکریم)**

تاریخ بغداد کاتب را برشته تحریر در آورد و کتاب الاساب

از تألیفات دیگر اوست (رحلت ۵۶۲)

شمس‌الدین ابوالعاس احمد بن حنبلان دراز بل بدنیا آمده
 و از اسلامه مرکیان است که به شام، حلب، دمشق، اسکندریه
 مسافرت کرده و مدتی در دمشق سمت قضاوت داشته و در قاهره در مدرسه حریه
 تدریس مینموده. تألیف مسموزاد «**وقایات الاعیان**» در شرح حال رجال مرزگ
 و دانشمندان اسلام است (تغیر از حال قرن اول هجری) این شا کر الکتبی شرح
 حال مرزگانی که در «وقایات الاعیان» فراموش شده برشته بحریر در آورده و نام آنرا
 «**وقایات الوقایات**» گذاشته و وفات ابن حنبلان در سنه ۶۸۶ رخ داد

ابن حنبلان

محمد در حدود سنه ۱۰۰۰ میلادی در کاتب سلطان حلال‌الدین
 منکس نی بوده و با آن جوان دلیر حیات داشت خدمت او
 را مرکه نگهبان ده سال پس از رحلت حلال‌الدین تاریخ
 حیات او را به عربی برشته تحریر در آورد^۱

محمد بن

احمد نساری

۱ - منابع مورخین اسلام عموماً آنچه در متن ذکر شده

موسی بن شقیه معروف با نام الاماری از موالی بوده (ص ۱۴۱)

ابن اسحاق (ابوعبدالله محمد) ارمیده، اسکندریه و بعد نکوه و ری روف تألیف
 او موجود نیست ولی مقداری ارتباط آن در کتاب ابن هشام محفوظ مانده (فوت ۱۵۱)
الواقعی در مدینه متولد شده طرف توجه بعضی من حسابد برهنگی گشت صاحب
 «کتاب الاماری» است (فوت ۲۰۲)

الصولی (ابونکر محمد بن یحیی) از خانواده شاهراده نژاد حرقانی است پدرش
 سولتکن از آئین زرتشت مذهب اسلام مشرف گشت (فوت مولی ۳۳۵) و

صعودی (ابوالحسن علی) اصلاً عرب است و در بغداد متولد شده و مسافرت بسیار
 کرده تألیف مهم او «احبار الرما» است که در سی جلد بوده و فقط یک جلد آن مانده دوره
 رسیده است تألیفات دیگر او عبارت است از کتاب الارسط، مروج الذهب، مسیه و الاثر فی
 (رحلت در حدود ۳۴۵)

ابن التمیم (ابوالعرج محمد بن ابی یعقوب) معروف به «الوراقه» صاحب بالیغ معروف
 به تفسیر است (فوت در حدود ۳۸۶)

موفق‌الدین موفق (اس ابوالعاس در دمشق زاده آمد و تألیف دارد موسوم به
 «عیون الامیاه» در تاریخ طاب (رحلت ۶۶۶)

ابن الایم ابوالحسن علی عرب‌الدین در حیره بن عمر مردی دخله در کردستان
 بدینا آمد صاحب تألیف معروف «الکامل فی تاریخ» و «المداد» به (در احوال اصحاب رسول)
 و کتاب است (فوت ۳۶)

ابن عمیق (محمد ابوالعرج) پسر طایب یهودی خلیفه بوده و تألیف عیسوی در آمده
 بقیه در صفحه بعد

حدیث و علم الرجال

احادیث حضرت رسول در مسائل مختلفه نهایت اهمیت را برای مسلمین داشته و چون خواستند آن بیانات عالیه را جمع آوری کنند مسئله صحت و سقم بعضی از آنها در پیش آمد و علم حدیث برای این مقصود وضع شد تا احادیث حقیقی از احادیث ساختگی تمیز داده شود. چون موضوع همه نهایت قابل توجه علماء صدر اسلام بوده اولین احادیثی که کسب اهمیت نمود مربوط بآن رشته بود ولی بتدریج شامل رشته های دیگر گشت در مآلیهات معروف به «مسند» احادیث بر حسب قول آخرین رواه نقل گردیده و موضوع حدیث در نظر گرفته نشده است اما در کتب موسوم به «مصنف» احادیث را بر حسب موضوع بر شنه تحریر در آورده یعنی ابواب معینی برای مسائل شرعی، حقوقی، اخلاقی و امثال ذلك تنظیم شده باقصاء و طالبین بتوانند بسهولة مطلب خود را دریابند. مسئله دیگری که بعد مورد بحث واقع شد شخصیت، امانت و درستی «رواه» است و این مطلب موضوع علم دیگری گشت موسوم بعلم الرجال.

بر دگرترین علماء حدیث که آثار آنها حقیقه شاهکار است و برای این مقصود رحمت زیادی بحدود داده ایرانی بوده اند آثار این بزرگان را بصورت ایام شرح و تلخیص نمودند و برای اینکه عموم استعاده کنند چهل حدیث که اساس احکام اسلام بعد از کلام الله مجید است انتخاب کرده بر آن شرح نوشتند

مشاهیر علماء حدیث که ایرانی بوده اند بشرح ذیل است.

نقیه از صحیح فیل

یکی از روحانیون دانشمند آن کیش گردید. مهمترین تألیف او برهان عمری کتاب «مختصر تاریخ النبوه» است که علاوه بر تاریخ دارای اطلاعات طری و ریاضی است موت او در همراه سنه ۶۸۸ رخ داد

جاء حفظ عمر بن یحیی معروف بحافظ مورخ بوده ولی تألیفات زیادی در مطالب مختلفه دارد و یکی از مشاهیر دانشمندان اسلام است صاحب مکتبی است موسوم به «حافظیه» مؤخرین تألیفات او «کتاب الیاء و التیمی» و «کتاب العیوان» است (رحلت ۶۵۰)

ابو عبدالله محمد بن اسمعیل بن یحیٰ بن خازن ندویا آمده حدیث

بخاری

مردی به یا یزدین به نام داشته است در سن ۱۶ سالگی به

عربستان مسافرت نمود و تحصیل علم حدیث کرد سپس مصر بلکه آسیای اسلامی را برای این مقصود طی کرد و چون به حجاز برگشت ششصد هزار حدیث با خود آورد و فقط ۷۲۷۵ حدیث را معتمراسته در تالیف مشهور خود موسوم بده صحیح جای داد بخاری تفسیری هم در قرآن دارد (رحلت ۲۵۶)

ابوالحسن بن الحجاج معروف به مسلم در بسا نور متولد

مسلم

گردید و بخازن، عراق، شام و مصر برای جمع آوری حدیث

مساferت کرد و با بخاری کمال درستی و موثرت را داشت تألیف مشهور او که آهم و صحیح نام دارد یکی از کتب حدیث معتبر اهل سنت است (رحلت ۲۶۱)

سلیمان بن الاسعد در سیستان متولد گردید و مدتی در

ابوداؤد

مساferت گذراند تألیف از موسوم به سنن دارای احادیثی

است که حسب گفته دارد در سنه ۲۷۵ رحلت نمود

ابوعیسی محمد بن عیسی در بغداد ندویا آمده و هم در آنجا مرده

ترمذی

است تألیف او راجع به حدیث موسوم به جامع است

که در آن احتیاطی آراء مذاهب را شرح داده این را سمند کتاب دیگری دارد معروف به شمائل که شرح قیافه و شمائل حضرت ختمی مرتبت است (رحلت ۲۷۹)

ابوعبدالرحمن احمد در بسا متولد گردید و باقره و دمشق

ابن ماجه

مسافرت کرده است تألیف از موسوم به سنن است کتابی

هم راجع به تاریخ فروری نوشته که از سن رفته است (رحلت ۲۷۴)

ابوعبدالرحمن احمد در بسا متولد گردید و باقره و دمشق

سائی

مساferت کرده بواسطه انتشار احادیث در له حاواة علی

و اولاد او علیهم السلام در دمشق مورد عصب غامه گردیده او را از مسجد برانندند و لگد مال کردند در این حادثه در زمله یا مکه بزور حیات گف تألیف مشهور

اوموسوم به «سنو» است که در حرئیات شرایع و احکام اطلاعات مفیدی بدست آورده است (رحلت ۳۰۳)

عبدالله بن عبدالرحمن دارمی در سمرقند بدنیاً آمده و «مسنو» را تألیف کرد (رحلت ۲۵۵)

دارمی

عبدالرحمن بن ابی حاتم در ری بدنیاً آمده و در طوس در سال ۳۲۷ رحلت کرده صاحب کتاب «الجرح والتعديل» است

ابن ابی حاتم

درش جلد

ابو نصر احمد کلایاری در سجاز متولد شد و در سنه ۳۹۸ رحلت نمود . تألیف او راجع است به نام «حفاظ» که در صحیح

کلایاری

بجاری اشاره شده است .

محمد بن محمد خطابی در بسند بدنیاً آمده و هم در آن شهر در سال ۳۸۸ وفات کرده است . تألیفات او شرح کتب معتبر

خطابی

شرعیات است در آخر عمر میل به تصوف نموده و گوشه گیری اختیار کرده است

محمد بن عبدالله در نیشابور متولد شد و تا حجاز مسافرت کرده اغلب از طرف سامانیان مأمور رسالت در دیار آل بویه میگردد . مدنی افکار تشبیح داشته و کتاب «المستدرک»

محمد بن
عبدالله (الشیخ)

تألیف اوست (رحلت سنه ۴۰۵)

ابوبکر محمد بن الحسن اصفهانی در بغداد تحصیل کرده ری آمده اقامتش در آن شهر مشکل گردید به نیشابور و در

ابوبکر اصفهانی

رفت و معروف به استاد شد . در مراجعت از عرفه بمین راه مسموم گردید (۴۰۶) و حسد او را به نیشابور بردند و معمره اش زیارتگاه گردید . کتابی راجع به تعریف اصول

حنفی دارد

ابوالقاسم الحسین بن علی الودیر ایرانی الاصل است و یکی از احداثش بهرام نام داشته ولی در عصر بدنیاً آمده است

المغربی

۲۴۲ ماب اول

از تألیفات او حر کتاب **الانفیس** در اسامی قبایل عرب چیزی باقی نمانده رحلت
۴۱۸ یا ۴۲۸

این دانشمند ایرانی الاصل بزرگ بغداد در سنه ۴۲۶ متولد
شده پدرش همه الله وزیر قائم بالله بوده و عمش سمت قصاصت
داشته است . در یکی از مسافرت ها بدست غلام ترك خود کشته شد . این دانشمند
عمر خود را در تحصیل و تحقیق اسامی خاص مربوط به علم حدیث و املا آنها صرف
کرده و کتاب ا کمال تألیف او است تاریخ رحلتش نامعلوم است .

ابونصر علی

ابو نعیم در اصفهان متولد گردید و یکی از علماء شافعی است
تألیفات او عبارتست از **حلیة الانبیاء** (تاریخ اولیا و مقدماتین)
طب النبی (مجموعه احادیثی است راجع به طب) تاریخ

**ابو نعیم
احمد اصفهانی**

رحلت ۴۲۹ .

علمای اصفهان

ابوبکر احمد بن الحسین در سبوق بنیاً آمده و مدتی در جمع
آوری حدیث شرح سفر وجود داده است در پیشا پور مدرس فقه
شافعی بوده و فتاوی آن مذهب را در ده جلد نام کتاب **السنن و الآثار** جمع آوری
نموده است (رحلت ۴۵۸)

نیهتی

ابو محمد المرافع المعزی در بسور بن هرات و مرو متولد
گردیده است ، تألیفات او **مصابیح السنه** ، شرح السنه و
تفسیر قرآن است (رحلت سنه ۵۱۰ یا ۵۱۶)

نغری

عبدالعاهر بن اسمعیل فساری در سیاه پور متولد شده
ماخداستان و هند مسافرت کرده است . تألیفاتش از **بقره**
است . کتاب **الاربعین** (خلاصه احکام اسلام در چهل حدیث) **مجمع العرایب** ، معجم
و شرح صحیح مسلم (رحلت سنه ۵۲۸)

فارسی

ابوطاهر سلمی در اصفهان بنیاً آمد و به بغداد و اسکندریه
مسافرت کرده و در مصر تدریس اشغال داشته است از

سلمی

تالیفات او یکی بلند پایه است مجموعه چهل حدیث که هر یک را در شهری بدست آورده دیگر بدگره شیوخ بغداد است فوت او در ۵۷۶ در مصر واقع شد.

فقه

احرای احکام سهل و ساده اسلام در موارد مخصوص ، علم فقه را پدید آورد و مقصود از فقه و علم حدیث در ابتدای امر این بود که از روی کلام الله و بیانات شارع معصوم قواعدی بدست آید تا قصه در موقع صدور حکم مراعات آنرا نموده از آن میران تجاوز نمایند پس پایه علم فقه کلام الله و احادیث بوده مدت مدیدی فضاء حق آنرا داشتند که بموجب رأی خود صدور حکم نمایند سپس دو فرقه گشتند یکی را اصحاب رأی یعنی آنهاییکه با احتیاط شخصی معتقد بوده و دیگر طرفداران صدور حکم فقط باستناد حدیث

چهار نفر از بزرگترین و نمای اهل سنت چهار مذهب **حنفی، مالکی، شافعی** و **حنبلی** بوجود آوردند راجع باین چهار مکتب و مؤسسی آن در فصل دوم مختصراً بحث شده است در اینجا فقط این موضوع را بخاطر میآوریم که ابوحنیفه ایرانی الاصل بوده و بزرگترین استاد مالک موسوم به حماد بن سائب الراءیه معروف است که پدرش ایرانی و ارموالی بوده این جنس گرچه عرب بوده ولی در مصر متولد شد، سایر این چهار مذهب یک مذهب دیگر هم تأسیس شد موسوم به طاهریه که مؤسس آن چنانچه در ذیل گفته خواهد شد ایرانی بوده است صدور مشاهیر فقهائ بزرگ اسلام که ایرانی یا ایرانی الاصل بوده اند از اینقرار است

ابو سلیمان داودی
 علی اصفهانی
 ابو سلیمان ایرانی الاصل است و در کوفه متولد شده و مؤسس مذهب طاهریه است که صدور حکم را بر حسب طاهر آیار قرآن و حدیث معتمد و مسکن قیاسند مذهب او در ایران هند و عمان منتشر گردید اما طولی نکشید که ازین رف و ولی در عرب و اسپان دارای پیروان زیادی گشت (رحلب ۲۷۰)

ابو اسحاق ابراهیم نولدش در فیروز آباد واقع شده و پس از
تأسیس مدرسه نظامیه باصرار شاگردان خود تدریس آن
دانشگاه را عهده دار گشت . مهمنرین تألیف او مذهب و
و کتاب السیه است در فقه شافعی (رحلت ۴۲۶) .

ابراهیم بن
علی شیرازی

امام الحرمین (ابو المعالی) در قریه نزدیک نیشابور بدنیاً آمده
و چهار سال در مکه و مدینه تدریس نموده و ملقب با امام الحرمین
شد . نظام الملک برای او مدرسه‌ای در نیشابور تأسیس کرد

عبد الملک
جوینی

این دانشمند در فن خطابه هم ید طولائی داشت و چون بدود حیات گفت عزای عمومی
در نیشابور گرفته شد تألیفاتی او اینقرار است : **نهاية المطالب** (در فقه شافعی)
لورقات (در احکام اسلام) **مغیث الخلق** (در نبوت برتری مذهب شافعی بر سایر مذاهب
اهل سنت) رحلتش در سنه ۴۲۸ واقع گشت .

ابو المعاسن عبدالوحید رویانی در طبرستان متولد شد و از
علماء بزرگ شافعی است و تألیفات او بحر المذهب بررگترین

رویانی

تألیفی است که در آن مذهب موجود است . رویانی طرف توحه خواجه نظام -
الملک واقع گشت و در آمل مدرسه‌ای تأسیس نمود و در آخر بدست اسمعیلیان
کشته شد (۵۰۲) .

ابو الحسن کیا در طبرستان بدنیاً آمده و در نیشابور تحصیل کرده
و طرف توحه بر کیا در واقع گردید و در مدرسه نظامیه تدریس

ابو الحسن کیا

نمود . از او بسبب مرتبه عالی و بهود عظیمش «کیا» ملقب ساختند . تألیفات او
اصول الدین و احکام الدین است (رحلت ۵۰۴)

ابو جعاف احمد اصفهانی: در قرن ششم هجری میریسته مؤلف «تقریب» در
فقه شافعی است

قرائت کلام الله و تفسیر قرآن

جمع آوری آیات کلام الله مجید و ترتیب سوره‌های قرآن بعد از حضرت رسول اکرم واقع گشت. چهار نفر از صحابهٔ امی من کعب معاذ بن حبل، زید بن ثابت و ابورید انصاری هر کدام مجموعه‌ای از آیات برای خود جمع آوری کرده بودند و جمعی هم تمام آیات کلام الله یا بعضی از آنرا از حفظ داشتند. پس از رحلت حضرت رسول مشاهده شد که حفاظ قرآن یکی بعد از دیگری بدنامی می‌روند بنابراین عمر، ابوبکر را واداشت تا امر بجمع آوری آیات دهد و برای این مقصود از طرف حلیفهٔ اول شخص زید بن ثابت معین شد که این امر را بعهده گرفته آیات را در یک نسخه جمع نماید.

عمر که عواطف این امر بود فقط آیات مکتوب را قبول می‌کرد که دو نفر شاهد آنرا تأیید نمایند. پس اندر ح سورهٔ فاتحه سوره‌های دیگر را بر حسب طول آنها یکی بعد از دیگری قرار دادند و بدین نحو سوره‌های کوچک در آخر قرآن قرار گرفت. این نکته قابل توجه است که سوره‌هایی که در آخر کلام الله است در مکه نازل شده در صورتیکه بعضی از سوره‌های بزرگ که در صدر آن واقع شده در مدینه نازل گشته و مقصود این است که ترتیب این سوره‌ها بر حسب زمان نزول نیست تازی چون زید از این امر فزع گشت نسخه‌ای که تهیه گردید بدست عمر افتاد و پس از او بدخترش حصه رسید.

در زمان عثمان مسئلهٔ حفاظ قرآن مطرح شد لذا این حلیفه زید بن ثابت و بعضی از قرشیان را دستور داد تا تمام نسخه‌های موجود قرآنرا جمع کرده و اساس را نسخه‌ایکه برد حصه بود قرار داده بنگار نسخهٔ قطعی تهیه نمایند. چون اینکار با تمام رسید عثمان نسخه‌ای که تهیه شد و نسخه‌ای که در زمان ابوبکر تنظیم شده بود نگهداشته بقیه را ازس برد. در زمان حکمرانی مروان در مدینه باهر او نسخهٔ زمان ابوبکر را ازس بردند و مصحف موجود از روی همان نسخه‌ای است که در زمان عثمان تنظیم شده.

با همه این احوال بتدریج خواندن قرآن که اساس عقاید، فقه و اخلاق مسلمین است طرف توجه واقع گشت و دو رشته علم موجود آمد یکی علم قرائت و دیگر تفسیر - برای قرائت مکتب‌هایی در مکه، مدینه، بصره و کوفه تأسیس گشت و در ابتدا بروایات شعاعی یا دکر نام یکی از اساتید بزرگ اکتفا می‌گشت ولی بعد چون اختلافات روایات شعاعی در طرق قرائت کلام مجید زیاد گشت روایات کتبی حای شفا را نگرفت در قرن دوم هجری یعقوب الحضرمی راجع باقسام مختلف قرائت تالیفی نمود ولی کلیه کتبی که در این موضوع در آن اوان تا قرن چهارم تألیف شده ازین رفته و قدیمترین رسالتی که در اینخصوص موجود است تألیفات مختصر ابن خالقان و ابن مهران است که آنهم در قرن چهارم هجری نگاشته شده

از صدر اسلام معانی و اصطلاحات قرآن مجید و توضیح در اطراف بعضی از آیات کلام الله مورد سؤال و استعظام از صحابه و اتباع گردید ابن عباس که مدتی هم در خدمت حضرت علی علیه السلام بسر برده در تفسیر بعضی آیات مکررات اظهار معلومات کرده است و بتدریج علم تفسیر بر اهمیت خود افزوده تألیفات بسیاری در اینخصوص بوجود آمد که از آن جمله است آثار ابن قتیبه، الزجاج، طبری، نیشابوری و طولی بکشید که عرفا و معتقدین بوحدت وجود مانند سهل بن عبد الله التستری (ناگرد دوانور مصری) آیات قرآنی را بسناخ عرفان تفسیر نمودند ولی در مقابل این عرفا که اسامی عقیده آنها بعبیده عا آریائی است عده دیگر بتفسیر قرآن بر حسب ظاهر آیات پرداختند.

اسامی بررگترین مفسرین ایرانی از اینقرار است :

این مرد در نیشابور متولد شد و از خانواده ارمینی و عیسوی است که ندین اسلام مسرف گردیده است و احدی در خدمت نبغالی تحصیل نمود و در سنه ۴۶۸ هجری وفات کرد ارتالیفات او

ابوالحسن
علی الواحیدی

اسباب النورول .

عبداللہ بن عمر اہل بیضاہ فارس است پدرش در زمان اتابک
بیضاوی
 ابو بکر بن سعد مقام قصاوت دانسته و خود ہم در شیراز پندان
 شعل اشتعال داشت و در آخر بہ تسریر رفتہ ہم در آشپز بندود حیات گفت (۶۸۵)
 تألیف مهم او موسوم بہ «انوار التنزیل و اسرار التأویل» تفسیر مختصر جامعہ است
 دیگر از تألیفات او ارا بتقرار است. غایۃ القصوی (در فہم شافعی) **مصباح الارواح**
 (در الہیات) **توالی الانوار** (در ماوراء الطبیعہ) تاریخ ایران را ہم بہارسی پر شتہ
 تحریر در آورده و موسوم است بہ نظام التواریخ

حکمت الہی و علم کلام

علمائہ اسلام خود را مکلف دانستند در مقابل یہودیان و مخصوصاً عیسویان
 معین سوریه کہ باصول آئین اسلام ایرادات یا ردی وارد می نمودند بہدفاعہ پردازند
 و جوابهای عقلی و منطقی دهند. این مسئلہ علم کہ کلام و الہیات را بوجود آورد
 طولی نکشید کہ در میان مسلمین اختلافاتی حاصل نمود و میدان بحث وسیع تر
 گشت مسائل حبر و فوض، قنہب یا حدود کلام اللہ مجید کہ مختصری از آن
 در فصل دوم شرح داده شد مطرح گشت و تألیفات مهمی در رد و قبول این مسائل
 نگاشته شد. مشاہیر ایرانیانی کہ در الہیات دحمت کشیدہ و تألیفات گرا نبہائی
 یادگار گذاشته اند از قرار ذیل است

ابومنصور محمد بن محمود بردیک سمرقند ہدیبا آمده و آراء
مانوردی
 مدحی او خندان فرقی یا آراء اشعریہا نداشته و در ہند ،
 ماوراء النہر و تر کیہ داری پیروان زیاد گردید و در سہ ۳۳۲ رحلت کرد .

ابولیب سمرقندی عالم حنفی مذهب است کہ در
ابولیب
سمرقندی
 الہیات، فہم، تفسیر و علم اخلاق اطلاعات کافی داشته است
 (رحاب ۳۸۳)

ابو حامد محمد در قریه غراله نزدیک طوس بدنیا آمده .
الهیات را در نیشابور نزد امام الحرمین تحصیل کرد . نظام -
الملک او را گرامی داشت و هدیه در نظامیه بغداد تدریس

محمد
غزالی

نمود و قریب سیصد نفر در مجلس درسش حاضر می گشتند . ولی پس از چهار سال آن
مقام را ترک گفت و بهزد و گوشه گیری پرداخت و در صد در آمد علم را با ایمان
توأم کند. این دانشمند صوفی مشرب بوده و به دمشق، بیت المقدس مکه و اسکندریه
مسافرت کرده و معروف بحججه الاسلام است آثار قلمی اذمنعند و مهمترین آنها از
این قرار است جواهر القرآن ، عقیده ، الدرر الفاخره (راجع برود رستخیز)
احیاء علوم الدین ، میزان العمل ، کیمیای سعادت (مادی) ایها الولد
(در اخلاق) سیط ، وسیط و وجهیز (در مسائل فقهی) تحفه العالیه (در فلسفه
یونانی) مقاصد العالیه - المنقذ من الضلال (در فلسفه و غیره) غزالی در سنه ۵۰۰ هـ
وفات نمود .

ابوالفتح مجدالدین بعد از برادرش محمد غزالی جای
او را در مدرسه نظامیه گرفت و بخطبه و وعظ پرداخت. افکار
او منما یل به تصوف و عرفان بوده و احیاء العلوم را خلاصه

احمد
غزالی

کرده است . رسالاتی در تصوف دارد و از آن جمله است منهاج الایات - « بوارقی »
که در آن فرق بین عنا حرام و عناة حلال بیان کرده وفات او در قزوین سنه ۵۲۰ هـ
رخ داد .

بحمدالدین ابو حصص عمر درسی ماوراءالنهر بدنیا آمد و
یکی از بزرگترین علماء حنفی عصر خود بشمار میرود

سفی

مشهورترین تألیفش کتاب « عقاید » است و قصیده معصی در دو هزار بیت سروده و
در آن اختلافات چهار مذهب است داشرح داده است (وفات ۵۳۷)

ابوالفتح محمد در شهرستان خراسان متولد گردید و در
بیسامور به تحصیل پرداخت سپس زیارت بیت الله الحرام

شهرستانی

مسرف گشت و در مراجعت سه سال در بغداد اقامت گردید پس از مراجعت بوطن

خود در سال ۵۴۸ هجرت رحلت نمود ، از جمله تالیفات او یکی کتاب *الملل والنحل* است که در آن شرح عقاید فرق مختلفه اسلامی و مشربهای فلسفی را دارد . کتابی هم در تاریخ و فلسفه برشته تحریر در آورده . دیگر از تالیفات او نهایت الاقدام (در الهیات) و مصارعة الفلاسفه است .

ابوعبدالله جمال‌الدین ابو عبدالله قزوینی در حدود سنه ۶۲۹ کتاب *معین المعلوم* را که مجموعه ایست از مسائل مذهبی ،

اخلاقی ، جغرافیائی و تاریخی برشته تحریر در آورده است

فخرالدین رازی فخرالدین درری بدینا آمده و در آن شهر و همراه تحصیلات خود را با تمام رسانیده به ماوراءالنهر و غز نمسافرت نموده است در آخر در هرات رحلت اقامت گسترده در آن شهر در ۶۶۰ بدرود حیات گفت ، تالیفات او قابل توجه خاص و عام گردید و طرز مخصوصی در ترتیب و تلمیح آورد . حطبه‌های او نهایت مؤثر بوده و جمعی را بدین اسلام مشرف ساخته است ، مهمترین آن تالیفات ادب‌نقرا است . محصول (فقه) *مفاتیح العیب* (در تفسیر کلام الله مجید) *اسرائیل و مطالب العالیه* (در الهیات) *مباحث الشرفیه* و *محصل* (در طبیعت و ماوراء الطبیعه) *سر المکتوم* (در اوصاف کواکب) *احتیارات العلائیه* که اصلا به فارسی بوده و به علاءالدین حواری شاه تقدیم شده و سپس آنرا به عربی ترجمه کرده اند

ارحکماء و دانشمندان بررگی شیعه اسی عشریه است که بواسطه کثرت معلومات و اطلاعات عمیق او در حکمت و ستاره شناسی نرد هلاک و نهایت مقرب گردید و دره وقع فتح

خواجه نصیر طوسی

۱- یکی اردانشمندان معروفی که اصلا عرب است و سنت خود را به اوسگر میرساند جمال‌الدین ابوالفرح عبدالرحمن ابن الحوری است که در بغداد متولد گردیده و در اکثر رشته‌های علوم آن عصر دارای تالیفات متعددی است منجمله : *تقویم‌العه* (دولت) *منتظم* (تاریخ) *دهب المسوک* (تاریخ سلاطین) *احبار الادب* ، *کتاب الحقا* ، *کتاب القمص* ، *وفا* ، *مناقب* ، *جامع المسانید* (در حدیث) *مطلق المعهوم* (در حدیث) *تحقیق* ، *مخایب المعلوم* (قرآن) *محضره* *راد العمیر* ، *تلیس* *آلمی* ، *حدائق* ، *لغات المفاع* *طب الروحانی* ، *نصرة الاخيار* *کتاب المدحتی* و غیره و غیره (فوت ۵۹۶)

معداد بدست مغولان چند مرارحلد کتاب را از اتلاف محفوظ داشت قبل از تسلط هلاکو خواجه نصیر را اسمعیلیان در مرد خود جلب نموده بود و چون در فصل مربوطه به اسمعیلیان اشاره باین موضوع شده از تکرار آن صرف نظر میشود. خواجه نصیر متجاوز اربنجاه عالی شصت تالیف دارد که مهمترین آنها از این قرار است :
 حواهر العراید و تجربید العقاید (در مسائل فقهی) فصول و اوصاف الاشراف در فلسفه این دو رساله در ایقنا فارسی بوده و بعد بعربی ترجمه شده است. زبدة الادراک و مذکوره (در نجوم) الباب الهیه (در حفظ الصحه) واهی. دیح ایلحایی بزبان فارسی برشته تحریر در آمده و بعد بعربی ترجمه شده است. کتاب اخلاق ناصری (فارسی است) رحلت این دانشمند در سنه ۶۷۲ در بغداد رخ داد.

فلسفه

این مسئله مورد توجه است که قبل از اسلام قرن هادسوریه و اطراف آن کتب یونانی را بریان سریانی در آورده بودند و چون سوریه بدست عرب افتاد از آن کتب بتدریج استفاده شد. از طرف دیگر در دانشگاه گمشا بود که ابوشیروان بانیس کرده بود تدریس فلسفه و طب میشد و در شهر حران (در من النهرین) بعضی از دانشمندان آن از ریاضیات و نجوم اطلاعات کافی داشتند. در زمان خلافت سی عباس مخصوصاً در عهد مأمون بسیاری از کتب سریانی که ترجمه فلسفه و علوم یونانی بوده بعربی در آورده و فلسفه از سطو کسب توجه دانشمندان اسلام را کرده مشغول تحقیق و تدقیق گشتند

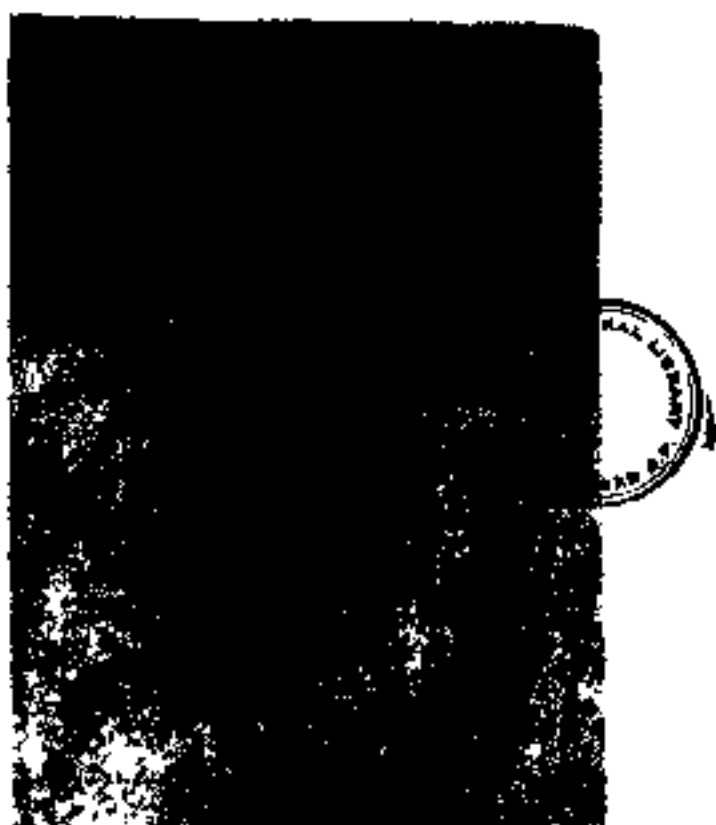
مأمون که بر ورمادوی خراسان میان مرابین در ادوجود فائق آمد و مرد ایرانیان تربیت شده تمایلات ایرانی داشت ایجاد مؤسسه در بغداد نمود موسوم « به بیت - الحکمة » و کتابخانه ای به آن ضمیمه کرد این مؤسسه در عالم اسلام تولید مهذب علمی فوق العاده ای نموده و از طریق اسپانیا در اروپای حواب آلود تأثیر عظیمی کرد در زمان افتداز آل بویه که حاهاء ننی عباس دست نشانده آن سلسله گردیدند

بهت ملول علم پرور و شیعه مذهب این سلسله در قرن چهارم هجری مجمعی بنام
احوان الصفا از فیلسوفان تشکیل یاف
 اسامی بزرگترین فیلسوفان ایرانی که تألیفات آنها به عربی است از اینقرارد
 است.

احمد سرخی
 احمد بن طیب در سرخس متولد شده و معروف به تلمیذ
 کندی است (یعنی شاگرد کندی) احمد معلم خلیفه
 معتصد بود و در نتیجه افشاء رازی کشته شد (سنه ۲۸۶) از این دانشمند تألیفی
 موجود نیست .

شیخ الرئیس ابن سینا
(ابوعلی الحسین)
 پندارن سینا حکمرانی شهر کوچکی را نزدیک بخارا داشته
 و ابوعلی در صغر سن تحصیل فلسفه و طب نمود و در سن ۱۷
 سالگی نوح بن منصور سامانی را معالجه کرده در دستگاه او
 مقرب گشت . شیخ الرئیس بعد از فوت پدر خود بخوارزم نزد علی بن منصور رفت و
 چون سلطان محمود غزنوی او و عدده از علمای دیگر را از خوارزم شاه بطلبید ابوعلی
 ناچار بخراسان و گرگان مسافرت کرد و از آنجا بری ، قره‌ین و همدان شتافت و
 وزیر شمس الدوله دیلمی گردید در زمان پسر شمس الدوله موسوم بتاج الدوله معجبوس
 گردید و از آنجا فرار کرده باصعهاں رفت و برده علاء الدوله ابو جعفر درآمد . در
 آخر این دانشمند بزرگ در سنه ۴۲۸ در همدان وفات نمود

ابوعلی در علم و کمال اعجاب برهان خویش بوده و در هر رشته از علوم و معارف
 عصر خود اجتهاد کرده و دارای تألیفات گرانمایی است که مهمترین آنها از اینقرارد
 است : رسالات متعدد در شرح بعضی از سوره های قرآن ، روحش ، حواب ، طلسم
 و غیره ، شفا (در منطق ، طبیعیات ، ریاضیات ، هیئت) اشارات و التنبیها (در منطق)
 عیون الحکمه (در منطق ، طبیعیات ، والهیات) حی بر یقظان (در عرفان) خطبة الغراء
 رساله الطیر و قصادید مطول در منطق و طب . در این رشته اخیر یعنی در طب تألیف
 مشهور او « قامون فی الطلب » مستغنی از تعریف است .



شیخ الرئيس نوح علی سیمینا

مفضل امهری
 امین الدین معضل امهری مؤلف هدایه الحکمه (در منطق
 طبیعیات و ماوراء الطبیعه) و کتاب الایساعوحی است (در
 حکمب ارسطو) و رحلت او در ۶۶۲ واقع شد

نجم الدین
 علی الکاتب
 این دانشمند بر حسب درخواست شمس الدین محمد حوینی
 «الرساله الشمسیه» را (در منطق) تألیف نمود دیگر آثار تألیفات
 او صمیمه ایست بر «حکمه العین» و کتاب جامع الدقائق
 (در طبیعت و ماوراء الطبیعه) .

مؤلف رساله ، عین النظر (در منطق) صحایف (دورشعریات)
شمس الدین سمرقندی اشکال التأمیس (در هندسه اقلیدس) است ^۱

عرفان

راجع تصوف در فصل دوم شمه‌ای گفته شد و در اصل آریائی آن بحث گردید و گفتیم چون بعضی از ایرانیان مانند جنید نهاوندی معروف به بغدادی و بایزید بسطامی بدان مشرب گرویدند تصوف وارد در مرحله دیگری شد و عقیده بوحدت و حدود و سیر و سلوک طالب حق از مقام طلب تا درجه فنا اساس آن نظریه گردید . مدتی بگذشت که بعضی از حکمای الهی اسلام مانند حجة الاسلام محمد غزالی و تراش احمد متطایل باین مشرب گشتند و در تألیفات خود تقویت از این فکر نمودند . درایه‌ها فقط بد کر نام یزرگان ایرانی که در زبان تازی روح این عقیده بوده‌اند اکتفا میشود .

با گفته نماید که راجع بحسین بن منصور حلاج که قطعاً ایرانی بوده ولی در محل تولدش اختلاف است آراء نویسندگان و مورخین مختلف است بعضی مانند طبری اعمال ناسرائی باو نسبت داده‌اند ولی بعد بزرگان صفویه او را یکی از هممکران خود دانسته‌اند علی‌ای حال حلاج مرد عصبی بوده و دعوی بزرگی داشته است در آخر آن مرد بزرگ را بدار آویخته حسدش را سوراخندند (۳۱۰) .

۱ - نام دوم دیگر از مشاهیر فیلسوفان اسلام را شاید از جناب محو کرد :

یکی یعقوب بن اسحق کندی است که اصلاً عرب است که در کوفه متولد شده در مصره و بعداً تحصیل نموده است . این مرد دانشمند فریب دوست تألیف در رشته‌های مختلف دارد و در زمان متوکل میرسته

دیگر ابونصر محمد القزازی است که در فاران (انزلی) متولد آمده و اصلاً ترک است فارابی در فلسفه ، منطق ، اخلاق ، سیاست ، ریاضیات ، کیمیا ، موسیقی دارای تألیفات است و یکی از مشهورترین فلاسفه عالم اسلام است (رحلت فارابی ۳۳۹)

اما در اسپانیا فیلسوف مشهور دیگری بوجود آمده موسوم به **انوالولید ابن الرشید** مؤلف فصل المقال (در ایمان و علم) و تحاققه التحاققه (در درده تحاققه مرالی کلمات (در طب) در سه ۵۱۳ در مراکش رحلت نمود

قشیری

ابوالعاسم عبدالکریم اصلاً عرب است ولی خانواده او از زمان فتح عرب در حران راجل اقامت افکنده و معلوم است در این قرون متوالیه تأثیر آب و هوا و معاشرت با ایرانیان در این خانواده چنانچه اندازه مؤثر بوده است. قشیری برای تحصیل به بيشاپور رفت و ابوعلی حسن دقاق که یکی از رجال بزرگ صوفیه است او را در راه بصوف افکند. گذشته از کسب اطلاعات عمیق در تصوف قشیری تحصیل علم حدیث و احکام شافعی را در بغداد بنمود. مهمترین تألیفات او عبارت است از: رساله قشیری در آداب و تعالیم تصوف، دیگر ترتیب السلوک فی طریق الله. رحلت او در سنه ۴۶۴ در بيشاپور رخ داد.

**عبدالله
هروی انصاری**

ابو اسمعیل عبدالله انصاری در کهن در دنیا آمده و در هرات در ۴۸۱ از دنیا رفت است بالیغات عربی او عبارت است از معادل سایرین (در مراحل سلوک) دم الکلام (در در قشیریها)

و اضافات بر طبقات الصوفیه که حامی در بعضی از آن استفاده کرده است

عبدالقادر گیلانی

محمی الدین عبدالقادر گیلانی در بغداد تحصیل فقه جمعی کرد و در میان جمعی برهد و تقدس مشهور گردید بالیغات او

از اینقرار است: فتوح العیب، حلال العاظر، الفتح الرانی و غیره. وفاتش در سنه ۵۶۱ رخ داد.

**شهاب الدین
سهروردی**

عبدالعاهر بن عبدالله در سهرورد (در دیک راجان) دنیا آمد و خود را از اولاد ابوبکر حلیفه میداند تحصیل فقه جمعی را در مدرسه نظامیه نمود و متمایل تصوف گشته است و

احتیاز کرد. سپس مدتی در مدرسه نظامیه مدرس گشت و در مواصل بساطت از سا گسترده آداب المریدین، تألیف اوست و در سنه ۵۶۳ در بغداد رحلت کرد

یحیی بن حش بن امیرک اهل سهرورد است که فقه را در مراغه آه و حجت و در سلك عرفا در آمده و مدتی در اصفهان بغداد و حلب نظیر در ویساں معاشرت نمود حکمت او عبادت

**شهاب الدین یحیی
سهروردی مقتول**

بود از افکار اهل طوسی حدید (منو ناز نویسم) و اندیشه های ایرانی که تعالیم اسلام

آرا بنوع خاصی در آورده بود. شهاب الدین اعتقاد امام غایب داشته و طرز فکر خود را حکمت الاشراف می نامید و از اینرو مریدانش معروف به اشرافی شدند. تالیفات او عبارتست از حکمت الاشراف، تلویحات (در منطق، طبیعت و معادرات، طبیعت) هیکل النور (در عرفان) الواح المعادیه (در صفات الله) و غیره. گرچه نزد ملک الظاهر پسر صلاح الدین مدتی مغرب بود ولی قشریان او را تکفیر کردند و با اینکه آن دانشمند اسرار خود را پنهان میداشت صورت پرستان خاطر آن پادشاه را از آن بردگوار مکند ساختند و در سنه ۵۸۲ در حلب کشته شد و از این سبب او را «شیخ مقتول» گویند.

ابوحامد رکن الدین العمیدی دانشمندی است فقیه در سنه ۶۱۵ در بخارا رحلت کرده، تألیف او موسوم به «مرآة المعانی» یعنی اسب در عالم صغیر (اسان) نسبت به شالم

رکن الدین العمیدی
سمرقندی

کبیر و تالیفات دیگر او عبارتست از: طریقة العمیدیه، ارشاد و رساله در ظلم. ابوالحنان حیوگی از عرفای بزرگ است مؤلف «فواتح الجمال» و «خاتم الحائم» (راجع بوسائل نظیر جسم و روح و در دیک شدن بحق) و در سنه معول در سال ۶۱۸ شهید شد. تالیفی هم به فارسی دارد موسوم به «صمدالآداب».

ابوحصص شهاب الدین عمر سهروردی در ۵۳۹ در سهرورد متولد شد و این شخص غیر از شهاب الدین یحیی سهروردی است که در حلب کشته شد. عمر سهروردی سنار تحصیل

شهاب الدین عمر
سهروردی

فقه شافعی به عرفان گروید و بود ضیاء الدین سهروردی است. تالیفات مهم او یکی عوارف المعارف است (در تصوف) و کشف المضایح - الیونانیة (در تد در فلسفه یونانی) تالیفات دیگری هم در سیر و سلوک دارد (رحلت ۶۳۲)

شیخ ابو محمد زوربهان بن ابی نصر اهل شیراز و از عرفای نامی و صاحب تالیفات بسیار است منجمه لطائف النیان (در

زوربهان

تفسیر عرفانی قرآن (مشرب بالارواح منطلق الاسرار و غیره در عرفان و تصوف . این دانشمند طرف توجه اتابک ابوبکر بن سعد بوده و در سنه ۶۰۶ هجری در شیراز در سن هشتاد و چهار سالگی وفات کرده است^۱ .

ریاضیات ، هیئت و نجوم

درست معلوم نیست که اصل ارقام هندسی از کدام مملکت است ولی اکثر دانشمندان آنرا از هند پنداشته و جمعی از ایرانیان میدانند در هر حال استعمال ارقام هندسی که امروز در اروپا به ارقام عرب معروف است (چنانکه کلمه « شاعر » را از کلمه « صغر » گرفته اند) موجب پیشرفت عظیم علم حساب در مشرق زمین شد . راجع به علم هندسه علماء اسلام از مالیهات یونانیان خاصه از آنار « اقلیدس » استعاده نمودند . در جبر و مقابله گرچه سادی این علم در کتب یونانی یافت میشود ولی مسلمین بقدری در این رشته زحمت کشیدند و ترقی نمودند که میتوان نا اندازة آنها را محترعین آن علم دانست اروپائیان در قرن دهم میلادی حیر و مقابله را از مسلمین آموختند

نویسندگانی منجم منصور « حلیفه عباسی » بوده و بعد از او سرس ابوسهل آن مقام را داشته است اکثر آل نویسند به هیئت و نجوم و حکمت پرداختند و بعضی از آنها کتب فارسی و یونانی را عبری درآوردند .

در نجوم و هیئت مسلمین ترقی هر احوال اولیه را طی کرده و آثار مهمی از خود

۱- در میان عرفاء نامی اسلام محیی الدین ابوعبدالله بن العربی تألیفات مهمی دارد این دانشمند در احیای باطنیایا آمده و فقه وحدت آموخته است . مهمترین تألیفاتش از اینقرار است فتوحات المکیه - مضمون الحکم ، مشاهد الاسرار القدسیه الاوار ، مشاهدات الوائز ، مجمع المعرفه ، حلیه الاندک ، حجر ، فائده ، ترجمان الانوار (در سنه ۶۳۸ در دمشق رحلت نموده) ابوالحسن علی الشافعی در تونس ندیا آمده و موسس فرقه درویشهای شافعیه است . حرب المعرفه و المقدمه تألیف او است (فوت ۶۵۷) عراق الدین بن عبداللطیف بن عابد المقدسی ، اهل بیت المقدس است و در سنه ۶۲۸ رحلت کرده صاحب « لغات کشف الاسرار » حل از مورد و تفسیر اقلیدس است . در شرح حال شماری اشاره معارف مشهور و بعضی دروس کرده

باقی گذاشتند. اسامی ریاضی دانان و هیئت شناسان ایرانی که بلسان عرب مطالب خود را تحریر نموده شرح ذیل است :

ابو عبدالله در ایام خلافت مأمون میزیست و قدیمترین ریاضی

ابو عبدالله
خوارزمی

دان معروف عالم اسلام است. تألیفات او در ریاضیات و جبر

و مقابله بر زبان «لاتین» ترجمه گردیده و در اروپا منتشر شد

«الگوریتیم» که در زبان اروپائی در ریاضی مستعمل است همان تحریف کلمه

«الخوارزمی» است

ابو معشر اهل بلخ است و معلومات او در هیئت و نجوم در شرقی

جعفر بن
محمد بلخی

و عرب یعنی در آسیا و اروپا نهایت طرف توجه گردید از

تألیفات این دانشمند فقط چند رساله که مهمترین آنها «مدخل»

اسم باقی مانده : فوت او در ۲۷۲ در واسط واقع شد

ابوالحسین از منجمین معروف است که در خدمت عبدالکدوله

عبدالرحمن
صوفی رازی

سر میبرده تألیفی راجع به ستارگان ثابت (نوابی) و رساله

در اسطرلاب دارد (رحلت ۳۷۶)

محمد بزرگ نیسابور دنیا آمده و یکی از بزرگترین

محمد
المورجانی

مهندسین است چه بعضی از قضایای هندسی را او درک کرده

و جمعی بر آنند که این دانشمند قبل از دیگران راجع به ماه

اكتشافاتی کرده است (رحلت ۲۸۷).

ابوریحان در خوارزم از خانواده ایرانی بدینا آمده و در تاریخ،

ابوریحان
بیرونی

ریاضیات و طب تحصیلات و تحقیقات عمیقی کرده و با ابن

سینا مکاتمه مینموده است - این دانشمند بزرگ هندوستان

مساافت کرده و زبان سانسکریت را آموخته و کتاب مفیدی بنام «تاریخ الهدهد»

تألیف کرده، محمود غزنوی نسبت به او رفتار خوشی نمود ولی بیرونی کتاب

نقیس خود را در هیئت (قانون المسمودی) تقدیم سلطان مسعود بن محمود کرد.

دیگر از آثار بنقیس این مرد بزرگ کتاب «الآثار الناقیه» است که در آن اطلاعات

بسیار مفید و جالب بوده راجع با قوام مقیم آسیای وسطی یافت میشود ابوریحان شیعه مذهب بوده و سمیت به عرب نظر خوبی نداشته است رحلت او در سنه ۴۴۰ واقع شد .

این دانشمند که بواسطه ریاضیات دلکش خود مشهور آفاق
عمر خیام
 است در ریاضیات و نجوم مفاهیم بسیار درجند داشته. کتاب حسر
 و مقابله او به راسه ترجمه شده است . شرحی بر اقلیدس نوشته و تألیفی راجع
 به تجزیه شیمیائی بر کتب طلا و مس و غیره دارد در زمان ملکشاه سلجوقی تقویم را اصلاح
 کرد که مشهور بتقویم حاللی گردید (رحلت ۵۱۷ هـ) در جای دیگر اشاره مابین
 مرد بزرگ خواهد شد

محمود خوارزمی در هیئت تألیفی دارد موسوم به مالمخص
محمود خوارزمی
 فی الیهیئة فوئش در سنه ۶۶۸ زح داد
کیمیا

مسلمین در علم کیمیا که مقدمه شیمی است زحمات فوق العاده کشیدند
 ابوبکر محمد بن زکریای رازی طبیب معروف در این رشته احتراعات مهمی
 کرده و عده ای دیگر اداشمندان ایرانی در اینخصوص تألیفات دارند ولی یکی
 از علمای بزرگ کیمیا که تألیفاتش بر این لاین در قرن نهم میلادی و در ایران
 آلمانی در قرن هجدهم ترجمه شده جان بن حیان است این دانشمند که گوید
 شاگرد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده و در کوفه سر می پرده معلوم
 نیست در کدام مملکت دنیا آمده است . بعضی او را حرامانی را اهل طوس دانند
 جمعی او را اهل سوریه و گروهی از صائین حران شمارند .

طب

راجع به طب علماء صدر اسلام از چندین محل استفاده کردند یکی از طرف
 دانشمندی که در دانشگاه گندی شاپور تحصیلات خود را ناتمام رسانده بودند

مثلاً جرجیس بن بختیشوع رئیس بیمارستان گندی شاپور بوده و منصور خلیفه او را بطلبید و طبیب خاص خود کرد. دیگر از حایب اهالی سوریه است که از طب یونانی اطلاع داشته و بالاخره از طرف اطباء هند می‌باشد که در زیار اسلام رفت و آمد داشتند - نزدی مسلمین در این علم مهارت تمام پیدا کرده و در این رشته هم ایرانیان گوی سبقت را از دیگران بر بودند و اسامی مشاهیر آنها از اینقرار است :

ابوزکریا یحیی
 ابوزکریا پسر دواسار گندی شاپور بوده و هم در آن شهر متولد شده طب را در بغداد بیاموخت و مرد حلقاء عباسی از منصور ناوائق مهرب گشت کتب متعددی را از یونانی ترجمه کرده و از خود هم تألیفاتی دارد که از همه مهمتر «*توادر الطب*» است

**علی بن عباس
 مجوسی**
 در مشرق و مغرب شهرتی بسرا داشته است در اهواز مدینا آمده و پدرش زردشتی مذهب بوده مهمترین تألیفاتش «*کامل الصناعه الطبیه*» است این دانشمند طبیب عضد الدوله دیلمی بوده

علی بن سهل ریان
 ابوالحسن علی بن سهل پسر یهودی طبرستانی است طبیب معتصم و متوکل بوده و معتصم او را واداشت تا از آئین یهودی دست کشیده مسلمان شود

محمد زکریای رازی مرد از طب را آموخته است ولی شهرت و معلومات ساگرد بیش از استاد گردید تألیفات او عبارت است از «*کناش و کتاب حفظ الصحه*»

**ابونکر محمد بن
 زکریای رازی**
 این دانشمند بررگترین طبیب عهد خود بوده و درری متولد شده است تا سن سی سالگی به تحصیل موسیقی پرداخت طب را از علی بن سهل بن ریان طبیب معتصم آموخت و بروی استعداد و لیافتش معلوم گردیده رئیس بیمارستان گردید و سپس در آفای منسنگسب تألیفات مهم او یکی «*حای*» و دیگر «*منصوریه*» در ده

کتاب که در هریک از امراض بخصوص بحث میشود. این کتب بزبان عبری و لاتینی ترجمه گردیده و اروپائیان از آن استفاده کرده‌اند تاریخ فوت و محل رحلت این دانشمند معلوم نیست بعضی گویند در بغداد از دنیا رفته و جمعی بر آنند که در ری وفات کرده است.

این طبیب از عیسویان گرگان بوده و در خراسان طبابت مینموده
عیسی بن یحیی است. ابن سینا در نزد این دانشمند تحصیل علم طب کرده

و تألیفات مهمی در این رشته دارد (وفاتش در حدود ۳۹۰)

(ابوالمریج) در طب طبابت میکرده (در اواسط قرن ششم)
و علاوه تألیفاتی دارد از اینقرارد: الايضاح فی اسرار علم -
النکاح - روضة القلوب (در عشق) خلاصة الکلام (در تفسیر

عبدالرحمن بن نصر الله شیرازی

خواب)^۲

جغرافی

در ممالک اسلام رؤسای چابار دو طبیعه مهم را عهده‌دار بودند یکی آنکه دارالخلافه را از آنچه در ناحیه آنها رخ میداد مستحضر سازد و دیگر مراسلات را به مقصد برساند برای اجرائی منظور اخیر مجبور بودند از کلیه اوضاع جغرافیائی ناحیه خود مطلع باشند از طرف دیگر احد مالیات و بهسب امنیت نظر حلقه و امرا را مسائل جغرافیائی معطوف ساخت و برودی این علم برقی نمود

دورمان سامانیان که ملوک آن، حامیان علم و ادب بودند یکی از وزراء آنها «جهانی» کنانی در جغرافیا نوشت (۲۷۹) که امروزه این رشته است همچنین این وزیر دانشمند حضور یکی از امرای هند را در دربار ساهانی عیبت شمرده در موقع

۱- شرح زندگانی او حلی سینا و آثار او در صفحات پیش بیان گردیده است
۲- میمورد نیست که در این محل اشاره نام ابوالعمران موسی بن میمون شود این دانشمند کرجه مسلمان بوده و فقط چندگاهی از بیم حکمران اسپانیا خود را مسلمان معرفی کرد تا ایام مهمی در آن تازی در طبرستان دارو می‌توان گفت یکی از سرگترین فیلسوفان یهودی است که در اسپانیا آمده تألیفات او در زمان خود تأثیر عظیمی داشته رسماً طبیب خاص صلاح‌الدین ایوبی و حاشی او ملوک هریر گردید (رحلت ۶۰۰).

مراحمیت او ایودلف شاعر عرب را با وی همراه ساخت تا مشاهدات خود را برشته
بحریر در آورد این شاعر نه تبت رفته و از جام هند و افغانستان و سیستان بازگشت
نمود و کتاب قابل توجهی در جغرافیا تألیف کرد

مشاهیر جغرافی نویسان ایرانی عبارتست از:

عبدالله بن عبدالله جدش زردشتی مذهب بوده و یکیش اسلام
در آمد پدرش مدتی حکمرانی طبرستان داشته و عبدالله در

ابن خردادبه

بغداد متولد شد ابن خردادبه در بغداد با موسیقی دان مشهور اسحق معروف موسیقی
مربوط شده و از او موسیقی را فرا گرفت . تألیف او در جغرافیا « کتاب المسالك
والممالك » است ناشرح مالیات هراپالتی و در حدود سنه ۲۲۹ الی ۲۳۳ تألیف شد.

این دانشمند در او احرقرن سوم هجری کتابی در جغرافیا
بوشته که ازین رفته و علی بن جعفر شیرازی آنرا ملخص
نموده

ابن الفقیه
همدانی

ابوریون معروف به احمد سهل در سنه ۳۲۲ وفات کرده و یکی
از فلاسفه شماراست در جغرافیا تألیفی دارد موسوم به
« صور الاقالیم » در آن نقشه های جغرافیائی است

احمد بن سهل
بلخی

محمد بن محمود خوارزمی دارای تألیفی است در جغرافیا
موسوم به « صورة الارض » (رحلت ۴۲۷)

محمد بن موسی
خوارزمی

در کتاب این محمد بن محمود در قرین متولد شده و سب خود را
به هانس پسر خادم حضرت رسول ﷺ میرسانده است تألیفات
او یکی کتاب « عجایب المخلوقات و دیگر » آثار البلاد است

زکریای
قرظینی

که در حقیقت يك قسم تاریخ جغرافیائی است (رحلت ۶۸۲)

۱- یکی از مشاهیر جغرافی نویسان اسلام **یاقوت بن عبدالله رومی** است که پدرش
و مادری یونانی بوده و در خاک روم شرقی بدنیا آمده است مدتی عمر خود را مسافرت گنبد اید
و هنگامی که در بلخ بود حیرتسجین سجارا و سمرقند را دیدست معلوم بشد و بموصل بازگشت و
در ۶۲۶ در حلب بندود حیات گفت
مهمترین تألیفات او عبارت است از : معجم البلدان ، مغتربک ، مرآة الاطلاع ،
ارشاد الاثرین ، دیگر ا و الجسین محمد بن حسیراست که در او احرقرن ششم هجری میریخته و
اهل آسیایین است سر دعه او قابل توجه است

فصل سیزدهم

ائمه اثنی عشر و دانشمندان بزرگ شیعه

تألیف مشهور

را حیح بمذهب تشیع در فصل دوم این باب شمه‌ای گفته شد و باختلاف فرقه‌های شیعه اشاره گردید چون مذهب شیعه بتدریج جای سایر مذاهب را در ایران بگیرد و در زمان صفویه شیعه مذهب رسمی گردید تا بر این لازم است بعضی از مشاهیر بزرگان این مذهب را اعم از آنکه ایرانی بوده‌اند یا عرب در این فصل تذکر دهیم و ما گفته نمائیم که جمعی از دانشمندی که در فصل سابق بآنها اشاره شد شیعه مذهب یا متعادل به تشیع بوده‌اند مثلاً قطع است که فاضل معروف انوریحان بیرونی و محقق دانشمند حکیم و مدح مشهور **خواجه نصیرالدین طوسی** شیعه مذهب بوده‌اند و نام آنها در تحت عنوان علوم مختلفه اشاره شد هر سبب اسامی دانشمندان این طایفه خاصه اگر خواسته باشند کلیه فرقه‌های شیعه را اعم از اثنی عشریه، زیدیه و غیره را در نظر گیرند موضوع تألیف کتاب مفصل جداگانه است مانند کتاب **عجالس المؤمنین** سید نورالله شوشتری و صفحات این تألیف مختصر که بجایش نام آن در گوازارها ندارد

قبل از آنکه نام دانشمندان شیعه در خود فرص داشتیم که **ائمه اطهار** نام ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین را برای سرک و تمیز زین صفحات این نامه مختصر نمائیم و یقین است که نام این شومس آسمان حعیض، مرد مسلمین خاصه ایرانیان از آفتاب مشهورتر است

امام اول اسلام **عنه السلام** علی بن ابیطالب پسر عم رسول اکرم و روح متول و ادوالحسین است شیعیان معتمدند که ابوطالب بدین اسلام مشرف گردید و خدمات او بهر اندازه بزرگوار

خود خاتم النبیین این عقیده را تأیید می نماید. مادر حضرت امیر فاطمه سب است بن هاشم است و زوجه آن بردگوار فاطمه سلام الله علیها دختر حضرت رسول اکرم (ص) است که از حدیقه کسری داشته از فاطمه سه پسر و دو دختر آورد (حسن ، حسین ، محسن ، زینب و ام کلثوم) پس از فاطمه که در سن ۱۱ هجری وفات کرد حضرت امیر چند زن دیگر به حواله نکاح خود در آورد و چندین فرزند بوجود آورد.

حیدر گرامی در اخلاق، شجاعت، فتون، عدالت، بلاغت و فصاحت پس از حضرت رسول بی نظیر بوده و حق است او را مظهر المعایب نامند

در مرتبه حضرت او همه حیرانند. گروهها مردم او را به فقط امام اول بلکه جانشین بلا فصل پیغمبر دانند و بر دیگران که مراعات این مطلب نکرده ایراد گیرند میلیونها او را خلیفه چهارم و یکی از برگزین صحابه پیغمبر و صاحب التعمیم والتکریم دانند، جمعی در مراتب صفات او حیران مانده حدیثش خوانند. علماء اسلام او را برگزین عالم اسرار قرآنی شمارند و اکثر صحفین صوفیه حرقه الفقر هجری را بوی رسانند. محققین بیعرص اروپائی آنحضرت را شهسوار بدون خوف و بیم خوانند و خلاصه هر کس در وصف او چیزی گویند شاید کمتر کسی علی (ع) را شناخته باشد

یاک ممکن و اینهمه صفات واجب لاحول و لا قوه الا بالله

مرسر کوی او و نام او چه در زمان حیاتش و چه بعد از مماتش عو عاها نر پاگشت و در صفحات گذشته این تالیف نکرات آن وقایع اشاره گشته است و منجمله گفتیم چون مسند خلافت بوجود ولی حق مرین گردید، دیر و طلحه ما موافقت عایسه ساری مخالفت گذاشتند و آمارا ناکشید نامند و در جنگ مسهور دجمل بکلی مغلوب شدند اما طرفداران معاویه را که مورخین قاسطین نام نهاده اند در جنگ صفین چاره حردخواست حکمیت بدیدند و بالاخره مازقمین یعنی خوارج در جنگ بهروان شکست و اخس خوردند. حضرت ولایت پیام در ماه رمضان در سن ۶۳ سالگی (۶۰ هجری) در سن یکی از حواریع عبدالرحمن بن ملجم مرادی شهید

گردید ولی موضوع ولایت و حب علی و اولاد او مسئله ای نبود که پس از شاه ولایت
- پس برود و يك قسم از تاريخ اسلام راجع بوقایعی است که از این موضوع مهم
بخ داده -

حضرت امام حسن در شعبان یا رمضان سه سوم هجری عالم
ام حسن المجتبی (ع) وجود را بوجود خود بوتایی نمود و پس از رحلت پدر
بر رگوارش علی بن ابیطالب صلاح در آن دید که از برای جلوگیری از ریختن خون
مسلمین با شرایط مخصوص با معاویه صلح نماید و تمام عمر در ترویج شریعت و
هدایت کافه انام از حواص و عوام گذراند ولی چون معاویه مایل بود پسر خود پیرید
را بعد از خویش حلیفه سازد و میداست که این امر برخلاف شرطیست که با حضرت
عجیبی نمود زوجه او جعدده دختر اشعث بن قیس را بریعت تا آن بر رگوار را مسموم
کرد (سنه ۵ هجری)

تولد حضرت امام حسین علیه السلام در ماه شعبان سال چهارم
هجری واقع گشت و پس از شهادت برادر بر رگوارش مقام
سیدالشهدا (ع) امام حسین
مبیع امامت باو رسید و چون معاویه برخلاف شرائطی که
با حضرت مجتبی (ع) نموده بود پسر خود پیرید را حلیفه صاحب و پندار دیگر شتاف
و فسق و فجور پیرید و عدم اعتناء او با احکام شریعت اسلام مشهور خاص و عام گردید
حضرت امام حسین بر خود دانست که در تعویب شرح احمدی قیام کرده و در این
راه سر مشق شجاعان عالم گردد برای این مقصود از مکه معظمه بطرف کوفه حرکت
نمود و در شب کر بلا در سه ۶۱ هجری در راه محرم واقعه شهادت آن حضرت و
جمعی از خویشان و اصحاب آن بر رگوار رخ داد این واقعه که شیدش دلها را در
طپیدن اندازد و لرزه در اندام افکند همدی مشهور است که حاجت شرح آن بیست
بواذ امام چهارم علی بن الحسین علی المرتضی در شعبان سه
مام زین العابدین (ع) ۳۸ هجری اتفاق افتاد ابو القاسم رمحشری نقل کند که
چون در زمان خلافت عمر صنایای وازس راهه مدینه آوردند سه دختر پیرد گرد در
میان آنان بود دستور علی علیه السلام یکی بحضرت حسن دیگری سه محمد بن

ابو بکر سوم به عبدالله بن عمر داده شد . حضرت حسین از آن دختر که بر وایتی شهر یابو نام داشته سینسجاد را آورد و در واقعه جاسوز کر بلا رین العیاد بیست و سه سال داشته است . مکارم اخلاق و وفور دانش و مراتب پرهیزکاری و طاهت او نه بقدری است که زبان و قلم از عهدهٔ تحریر و تقریر بر آید :

هذا بن خیر عباد الله کلهم هذا التقی النقی الطاهر العلم

در سال ۹۴ هجری روح پر فتوحش بگلشن قدس خسر امید و علمای شیعه بر آمد که هشام بن عبدالملک آنحضرت را مسموم کرد .

امام پنجم فرزند ارجمند زین العباد و فاطمه بنت امام حسن
امام محمد باقر (ع) علیه السلام است که در سنه ۵۷ هجری ولادت یا سعادتش

اتفاق افتاده و در سال ۱۰۴ یا ۱۰۵ هجری در صوفیان و بهشت حادان شتافت و دانشمندان شیعه را عمینه اینست که آنحضرت را امویها مسموم نمودند . معرفت آنحضرت در علوم ظاهر و باطن بقدری بوده که ملقب به باقر گشت . خلیفهٔ اموی و دانشمندان وقت در حل معصلات از آستانهٔ مطهرش استمداد میکردند چنانکه وقتی بن عبدالملک اموی و ژوستین امپراطور روم کاتبه بقار کشید ، عبدالملک دست توسل بنامان امام همام رد و بدستور آن بر رگوار اولین سکهٔ اسلامی را ضرب کردند در یک طرف آن سکه سورهٔ توحید و در طرف دیگر شهادت حضرت ختمی مرتبت نقش گردید و با اشارهٔ حضرتش فرمان رفت که در تمام بلاد اسلام بجز نام سکه و کات اسلامی معامله نمایند .

عضل علم و حلم و زهد و تقوی سبیه مصطفی شبه علی بود

ولادت پیشوای شریعت مصطفوی و هادی طریقت مرتضوی
امام جعفر الصادق (ع)

امام ششم جعفر الصادق علیه السلام در سنه ۸۳ یا ۸۴ هجری

رخ داد مانند اجداد پر دگوارش مظهر اسرار ربانی و بان علم و معرفت بوده است کمترین شاگردش جابرین حیان است که نامش در فرور وسطی در محاسن کیمیائی در مشرق و مغرب زمین مشهورتر از آفتاب بوده حضرت صادق در کشف اسرار قرآن و استنباط احکام حججهٔ الله فی الارض بود و از همین جهت مذهب انبی عشریه بنام مذهب جعفری منسوب باوست دانشمندان وقت خوشهٔ چین حرمین کمالات

او بودند و در سنه ۱۴۸ هجوات رحمت پروردگار قرار گرفت و گویند خلیفه عباسی منصور آنحضرت را مسموم ساخت .

امام موسی کاظم (ع) امام موسی کاظم امام هفتم در سال ۱۲۸ هجری داندنیا را بنور خویش منور فرمودند و پس از رحلت پدر عالمقام او طوایف مختلفه پر دانهوار بدور آن شمع حقیقت گرد آمدند . مهدی خلیفه عباسی که مرتبه علم و کمال و حلم و حلال روحانی آنحضرت را میدانست از روی حسد آن بزرگوار را از مدینه به بغداد طلبید و محسوس گردانید ولی بعد او را با اعزاز به مدینه روانه ساخت و چون نوبت خلافت هارون الرشید رسید و مشاهده کرد در مقابل مظهر اسرار علوم الهی چراغ خلافت او پرتوی ندارد بجای اینکه از حرمن کمالات آنحضرت استفاده کند ویرانمید نمود و در بصره و بغداد محسوس ساخت و در آخر در سال ۱۸۳ آن بزرگوار را مسموم گردانید

ولادت ما سعادت امام هشتم علیه آلاف التحية والثناء در سنه ۱۴۸ یا ۱۵۲ هجری رخ داد سلطان دین است و پیشوای اهل یقین . علماء شرع حلقه بندگی او در گوش دارند و اکثر پیران از شاخه سلسله خود را با او رسانند چه در ایام حیات و چه پس از رحلتش مهرش در قلوب جای داشت و بر بزرگواریش همه متفق بودند بدینجهت مأمون در صدد بر آمد بهروسینه خود را با آن امام همام نزدیک سازد بنشاید شیعیان در اثر اعتقادی که از روی یقین با آنحضرت داشتند کار خلافت مأمون را فراهم سازند پس از این قطب دایره امکان را بحد و جهد بسیار ولیعهد نمود و بروایتی پس از اینکه مأمون معصوم خود را از پیش برد آن بزرگوار را در قریه ساباد طوس مسموم نمود ولی جمعی بر آنند که حضرت رضا باحل طبیعی در هردوین اعلی قرار گرفت (سنه ۲۰۳ تا ۲۰۵)

ولادت حضرت امام نهم محمد تقی علیه السلام که سرچشمه امام محمد تقی (ع) فصل و کان سجاو بحر و فاسد در مدینه سنه ۱۹۵ اتفاق افتاد

نامه اش مشهور و دانشمندان آن ۲۶۷

در سنه ۲۲۰ در بغداد بحضرت پروردگار امید و شیعیان و بعضی از اهل سنت بر این عقیده اند که معتصم اورا مسموم ساخت

تولد دهمین امام حضرت ابوالحسن علی بن محمد النقی (ع)
امام علی النقی (ع) که مکارم اخلاق و علوم مقام و صفات پسندیده اش زیاده از حد است در سنه ۲۱۴ هجری در مدینه واقع گشت متوکل خلیفه اورا به سر من رای (سامره) آورد و در آنجا متوقف ساخت و در زمان خلافت معتز (۲۵۴) بگلشن قدس حرامید علماء شیعه بر آنند که معتز آنحضرت را مسموم نمود

پانزدهمین امام حضرت حسن بن علی العسکری در سنه ۲۳۱
امام حسن عسکری (ع) در مدینه مکرمه جهان ظلمانی را بقدم خویش بودایی نمود و در ایام محتمد خلیفه ، سه ۳۶۰ بجوار رحمت پروردگار حرامید و بقول علماء شیعه مسموم گشت

امام دوازدهم مهدی موعود عجل الله فرجه فرزند امام حسن
عسکری و بر حسن خاتون در سنه ۲۵۵ هجری متولد گردید
و هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری آغار عیبت صغری است
و ۶۹ سال ادامه داشت - در این مدت چهار هزار و کلاه آنحضرت ما آن علیه السلام مربوط بوده و پس از رحلت و کیل چهارم موسوم به علی بن محمد در سنه ۳۲۹ غیبت کبری شروع شد

شعرا و علماء بزرگ شیعه

نام بعضی از دانشمندان بزرگ شیعه غیر از چند نفری که در فصل سابق تحت عنوان رشته های مختلف علوم و فنون نام برده شده از اینقرارد است

در زمان بنی امیه یکی شعراء بزرگ که حداً طرفدار علی
علیه السلام و اولاد آنحضرت بوده فردوق است که در اعتقاد
خود بپایت ثابت بوده و چون حضرت امیرناو امر فرمود قرآن را از برنمایند آن

فردوق

- محمد بن یعقوب کلینی
تثقیة الاسلام کلینی در سنه ۳۲۹ وفات کرده و تألیف او «الکافی»
فی علم الدین یکی از کتب اربعه شیعه امامیه است .
این دانشمند سمت نقیبات سادات را در مصر داشته
و اشعار او جنبه عرفانی دارد . فوت او در ۳۴۴ واقع
شد .
- نعمان بن حیان
نعمان از مذهب مالکی دست کشیده شیعه امامیه شد و مدتی
در مصر در زمان خلفاء فاطمی مقام قضاوت را داشته است
(فوت ۳۶۳) .
- ابن بابویه
محمد بن علی بن حسین بن موسی معروف به شیخ صدوق
دارای ۳۰ تألیف است که از همه مهمتر کتاب «من لایحضره
الغایب» است که یکی از چهار کتب شیعه امامیه است (فوت ۳۸۱) .
- ابن الحجاج
ابن حجاج محتسب بغداد بوده و بعد از مدتی از این کار خلع
شده است . در فن شاعری سبک جدیدی بوجود آورده و در
مرحله اعتقاد شیعه خالص بوده و وصیت نمود تا او را در جوار امام موسی کاظم دفن
سایند (فوت ۳۹۰) .
- شریف محمد الرضی
از سادات عالیه مقام است، پدرش طاهر نقیب سادات و رئیس
دیوان مطالب بوده . شریف رضی در طول حیات قصاید زیبایی
ارجود بیادگار گذاشته و در تفسیر قرآن و شرح بلاغت آن تألیفاتی دارد . فوتش در
بغداد در سنه ۴۰۶ واقع شد .
- مهیار بن عرزویه
مهیار اهل دیلم است و عالم شیعه «شریف رضی» او را از
کیش برداشتی بآئین اسلام مشرف ساخت و شعریا و آموحت
اشعار زیبای مهیار بر روی حلب توجه کرد ولی چون دارای عقیده تسبیح بود عده کثیری
از اهل سنن به مخالفت او برخاستند و در سنه ۴۲۸ در بغداد وفات کرد .
- شریف المر رضی
ابو القاسم علی بن طاهر از سادات عالیه مقام امامیه است و در
بغداد نقیبات سادات را داشته و در سال ۴۳۶ بدار حنا خرامید

تألیفات متعددی دارد که از آن جمله است «الدور والفرور» (هشتاد و دو خطبه است راجع بمسائل مختلفه) «شهاب فی الشیبه والشباب» همچنین خطبه‌های حضرت امیردا این مرد دانشمند یا برادرش شریف رضی جمع آورده کرده و در یک جلد بنام نهج الملاحه در آورده است.

احمد علی النجاشی
این دانشمند دارای تألیفات متعددی است که از آن جمله کتاب معروف الرجال است وی شاگرد شیخ مهید بوده و در سنه ۴۵۵ وفات کرده است.

شیخ الطایفه
ابوحسین محمد بن حسن بن طوسی در طوس متولد شده قسمت اعظم عمر شریف خود را در بغداد بسر برده و در عهد اشرف پادشاه خراسان (۶۶۰). از علماء سیده امامیه است و مؤلف فهرست «کتاب الشیعه» و مصباح المجتهد والحل والعقد است اما تألیفات دیگر او یکی موسوم به تمذیب الاحکام و دیگر انبصار است که دو کتاب از چهار کتاب معین سیده انبی عشریه است.

ابوالحسن علی القمی
ابوالحسن علی در قرن چهارم میزیسته و تفسیر مختمری در قرآن دارد.

ابن منیر طرابلسی
ابوالحسن احمد در طرابلس ندیا آمد و قرآن را از پدر نمود و نحو و علم الفقه را بحونی بیاموخت و در شعر از اسابید عصر خود گشت (فوت او در ۵۴۸ در حلب واقع شد)

رحمی الدین
ابوعلی ظفر سی
رحمی الدین از علماء معروف امامیه است و در تألیفات معروف خود موسوم به «کتاب الاحتجاج» از این مذهب دفاع نموده جامع الحوامع و کتاب مجمع البیان در تفسیر قرآن از تألیفات آن مرد بزرگ است (در حلب ۵۴۸)

ابن ابی الحدید
عزالدین عبدالحمید سراینده «سبع العلویات» است در عهد حضرت رسول . فتح حیدر و مکه و سعاد حضرت حسین

در توصیف حلیفه ناصرالدین و همچنین شرح بلیغ صبح البلاغه از اوست (رحلت در سنه ۶۵۶) .

معروف به محقق اول است که در ۶۳۸ بدیبا آمد و از علماء بزرگ امامیه است و تالیف مشهور او «شرح اربع الاسلام» می باشد از تعریف مستغنی است گویند حواحه نصیرالدین طوسی

نجم الدین
جعفر بن یحیی

در مجلس درس او حاضر گشته و استفاده نموده است (فوت سنه ۷۲۵)

حسن بن یوسف بن علی بن مطهر العجلی مانند پدر دامنش عنوان فخرالمحققین داشته و صاحب تألیفات بسیاری است

علامه عجلی

وفاتش در محرم ۷۲۶ یعنی در همان سالی که محقق او وفات کرده رخ داده است.

فصل چهاردهم

ادبیات فارسی

سلسله‌هایی که در زمان خلافت بنی‌عباس در ایران تشکیل گردید موجب پیشرفت زبان شیرین فارسی شد. این زبان که هیچوقت از بین نرفت و عموم ایرانیان با لهجه‌های مختلف بدان نکلم می‌کردند و تسلط عرب فقط باعث شد که عده‌ای از لغات تازی داخل آن گردد و کتب علمی و ادبی بر زبان عربی که مفهوم کلیه ملل اسلامی بود برشتهٔ تحریر درآید، همینکه طرف توجه ملوک و امراء گردید مجدداً جوانی را از سر گرفت و لسانی شاهوار بطناً و نثرراً رونق افزای عالم ادبیات شد به‌سوی که میتوان گفت ادبیات فارسی یکی از زیباترین ادبیات عالم است و قریب است که نظر جهانیان را بطرف خود جلب کرده است.

اکثر شعراء بزرگ ما در دورهٔ خلافت اسلامی و تحت بوحیات سامانیان، آل بویه، غزنویان، آل دیلم، سلجوقیان، غوریان و حواریان مساهبان میریسته‌اند و اولین شاعر مشهوری که در زمان طاهریان روزگار بسر می‌برد **حنظله بادغیسی** است دیگر **فیروز المشرقی** است که معاصرنا عمر ولید صفاری بوده شعراء معروف دیگر **ابوسلیک گرمانی**، **شهید بلخی**، **ابوشعیب صالح بن محمد هراتی** و **ابوعبدالله محمد بن موسی الفراهیدی** است.

باینکه از شعراء سابق‌الدکر آمار مهمی در دست نیست و عدلک از همان چند شعری که از آنان باقی است و شهادتی که اسنادان من داده‌اند میتوان گفت که این شاعران مقام بلندی درون خود داشته و شعر فارسی مراحل اولیهٔ خود را طی کرده بود مثلاً رودکی که بلاشک از استادان شعر در آن دوره است راجع بهوت شهید بلخی گوید.

کاروان شهید رفت از پیش وان ما رفته گهر و می اندیش
 از شمار دو چشم یکتن کم وز شمار خرد هزاران بیش

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی بین معاصرین و فضلا و
 استادان شعر شهرتی بسزا داشته چنانکه معروفی بلخی، او
 را «سلطان الشعراء» نامند. دقیقی مقام این شاعر را محترم شمرده و عنصری او
 را در غرلسرائی بی نظیر دانسته است. رودکی در ناحیه رودک نزدیک سمرقند بدین
 آمده و عوفی بر آن است که کورمادر زاد بوده. رودکی نه فقط در شعر بلکه در فن
 غنا و نواختن چنگ دست داشته و نزد نصر بن احمد سامانی (بصر دوم) مقرب بود.
 نقل کنند وقتی اقامت نصر دوم در هرات بطول انجامید و ملتزمین رکاب ملول
 گردیده از رودکی خواهش کردند بنحوی امیر را از اقامت منصرف سازد. رودکی
 در عوق مناسب این اشعار را در حضور امیر بخواند و با ساز بواخت.

بوی جوی مولیان آید همی یادیار مهربان آید همی (الخ)
 گویند نصر دوم را چنان حالتی دست داد که فوراً عازم بخارا گشت. رودکی
 اشعار بسیار سروده ولی چیزی باین دوره نرسیده است بعضی بر آنند که این شاعر
 متمایل بذهب اسمعیلی بوده است. رودکی کلبه و دمنه را بنظم کشید ولی متأسفانه
 این اثر نفیس از بین رفته است.

ابوهنصور محمد بن احمد اهل طوس است و بعضی بر این
 عقیده اند که این شاعر باطناً زردشتی مذهب پوره و استاد
 باین اشعار کرده اند.

دقیقی چهار خصلت برگزیده بگیتی از همه خوبی و زشتی
 لب یاقوت رنگ و ناله چنگ می خون رنگ و دین زردشتی

ولی بر کسانی که از شعر و شاعری اطلاعی دارند محفی نیست که سرودن این قبیل
 اشعار دلیل بر آئین احدی نشود آنچه میتوان گفت این است که دقیقی پایران
 باستان علاقه زیادی داشته و قبل از فردوسی خواسته است داستانهای ملی ایران را
 بنظم سراید ولی عمرش وفا نکرد و بیش از هزار بیت که مربوط به ظهور زردشت

اسد سرود که از دنیا برهت و هر دوسی آن هر از بیت را در شاهنامه خود آورده است
دقیقی معاصر نامنصور اول و نوح دوم بوده و هر دو را مدح کرده است - در آخر نیز
بدست غلام ترک خود گشته شد .

دیگر از شعرای آن عهد ابوالحسن علی بن محمد غزالی
سایر شعراء

و منطقی رازی (منصور بن علی) اسد، منطقی صاحب اسمعیل
بن عباد را مدح گفته و در اشعار خویش حسن تعلیل را مراعات نموده است دیگر
حسروی سرخسی (ابوبکر محمد بن علی) است که شاعر شمس المعالی قایوس بن
وشمگیر بوده ولی صاحب بن عباد و سیمحور و عده دیگر را هم مدح کرده و از این
دربار بآن دربار میرفته است . قمری گرسانی (ابوالقاسم زیاد بن محمد) مداح
قایوس است و ابوظاهر خسروانی شاعر سامانیان بوده. ابوشکور بلخی در سنه
۳۳۶ هجری آفرین نامه را با تمام رسائیده ولی متأسفانه این تألیف از دست رفته است
شعرای دیگری هم بوده که برای اختصار ارد کر نام آنها صرف نظر میشود و بعضی
از ملوک آن دوره هم در ساختن شعر دستی داشته که از آن جمله اند منصور دوم پسر
نوح سامانی و قایوس بن وشمگیر

نوع شعر در آن ایام بیشتر رباعی، دو بیتی، قطعه و مثنوی
ملاحظه
بوده است. قدیمترین مثنوی منظومه کلیده و زمینه است که
رودکی آنرا سروده و متأسفانه از دست رفته است دیگر منظومه دقیقی اسد که فردوسی
آنرا در شاهنامه محفوظ داشته . اما قصاید و غزلیات شعرای سابق الکر حسه
سادگی و طبیعی داند

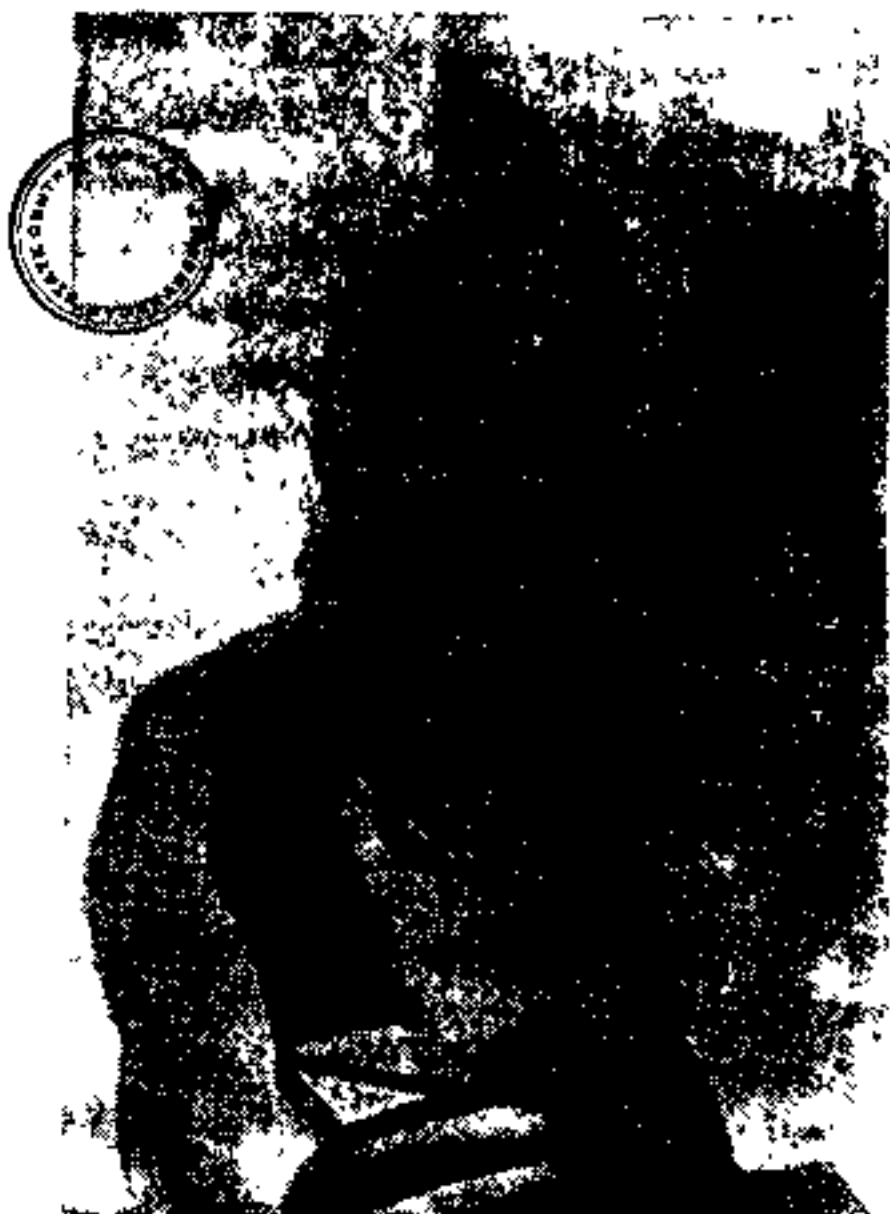
بنابر این میتوان گفت که از بیمه هنر چهارم هجری ادبیات فارسی وارد
مرحله جدیدی شده و زوایج دیگری بخود گرفت قصاید از سادگی خارج شد
و پر از استعارات و تشبیهات و سایر صنایع بدیع میگردد و احساسات ملی در شاهکار
عظیم فردوسی حلوه میباید و طولی نکشید که شعر آئینه افکار عرفانی و مسائل
اخلاقی میگردد و شعراء نزدیک در این رشته داد سخوری میدهند که اینک بدکر
اسامی استادان سخن میپردازیم .

نیایست احمد بن منصور را باپسرش علی بن احمد اسدی صاحب گرشاسب نامه اشتباه کرد. گویند احمد اسدی استاد فردوسی بوده و دولتشاه در تذکره خود حکایتی نقل کند که بکلی خالی از حقیقت است چه گوید چهار هزار بیت آخر شاهنامه را اسدی در یک شبانه روز برای فردوسی که در بستر مرگ بوده است گفته و حال اینکه جای شک نیست که در تنظیم شاهنامه احدی جز استاد طوسی دست نداشته است .

اسدی در فن مناظره قصاید زیبا دارد از قبیل: مناظره عرب و عجم، شب و روز، آسمان و زمین، معلم و گبر.

فردوسی
آنجکه از تحقیقات دانشمندان معلوم میشود فردوسی یکی از دهقانان معتبر طوس بوده و در سنه ۳۲۳ یا ۳۲۴ هجری یدنیا آمده است . علاقه بایران باستان و حس وطنپرستی او را بنظم داستانهای ملی ایران واداشت بنابراین پس از تحمل زحمات و ملاقات دانشمندان و استفاده از نامه خسروان ، که ابومنصور معری از روی مآخذ باستانی برای حکمران طوس ابومنصور بن عبدالرزاق نگاشته بود بنظم شاهنامه پرداخت و نسخه اول آنرا تقدیم احمد بن محمد بن ابی بکر خالنجایی نمود و نسخه ثانی را بسلطان محمود غزنوی تقدیم کرد . سلطان آن شاعر نامی را مایوس ساخت و حاجتش را چنانکه بایست بر نیارزد بنا بر این فردوسی از شدت نومیدی محمود را هجو کرد بالنتیجه از غزنین فرار اختیار نمود و بطبرستان رفت . فردوسی مدتی هم فرد بهار الدوله یا پسرش سلطان الدوله دیلمی بسر برده و کتاب یوسف و زلیخا را برای او بنظم آورد و سرانجام در سن نود سالگی (یا بیشتر) بطوس برگشته در آن دیار بدرود حیات گفت و در تاریخ رحلتش اختلاف است .

چون این اواخر اثری از آرامگاه این مرد بزرگ باقی نمانده بود لهذا در این عصر آرامگاهی که شایسته استاد سخن است بنا گردید و در حضور مستشرقین و دانشمندان شرق و غرب افتتاح شد و پس از هزار سال حیران قدر ناشناسی محمود غزنوی بعمل آمد .



انوالقاسم فردوسی طوسی

شاهنامه فردوسی شعله‌ای از آتش وطنپرستی است که در سینه شاعر طوسی
 افرودخته بود. این ابیات را فردوسی «عط از روی عشق و علاقه به آب و خاک
 نیاگان خود سروده و تقدیم آن به احمد خالنجانی یا محمود عربوی پس از این

بوده است که آن شاعر بزرگ هستی خود را در روی آن گذاشته و تقریباً فقیر شده بود. در این شاهکار حتی المفردات عامداً لغات بازی بسیار کم استعمال شده فردوسی خواسته است از این راه بین ادبیات فارسی خدمتی کرده باشد. شاعر طوم در تنظیم شاهنامه نه فقط قوه تصور شاعرانه خود را بکار برده بلکه آن کتاب نفیس آئینه تمام‌نمایی از عواطف و احساسات پاک و بی‌آلایش یشمار می‌رود. شاهنامه فقط از نقطه نظر حسن ملیت در میان ایرانیان مورد توجه خاص واقع شده بلکه چون دارای جلالت ادبی است و اشعارش در کمال فصاحت و بلاغت است استادان سخن باستانی فردوسی اعتراف کرده‌اند.

ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری از قصیده سرایان بزرگ
عنصری
عنصر خویش است و در دربار سلطان محمود غزنوی سه
امیرالشعرائی داشته و جنگهای سلطان و فتوحات او را بنظم سروده است. گویند
محموده مقرر داشت که شعرا قبل از آنکه اشعار خود را بندر بار تقدیم دارند مکلف بودند
آنها را عنصری ارائه دهند تا هر گاه مقبول نظر او گردید تقدیم دارند. از تاریخ حیات
این شاعر متأسفانه چیزی در دست نیست و حتی در تاریخ قوت او هم اختلاف است
ابونظر عبدالعزیز بن منصور دولتشاه، عسجدی را از اهلی
عسجدی
هرات شاگرد عنصری داند ولی عوفی او را مروزی خوان
علی‌ای حال از تاریخ حیات او چیزی در دست نیست

ابوالحسن علی بن جلولوغ سیستانی است. پدرش در خدمت
فرخی
امیر خلف سعاری بس می‌برده و فرخی که طبع بلند
در شعر داشته و جنگ را خوب می‌نواخته در ابتدا در خدمت دهقانی در آمد و سالیان
مسلکی در یاف می‌نمود و چون با یکی از بانوان دربار صفاری مراحت کرد برای
کسب مال و جاه برد امیر ابوالمظفر چغابی (در ماوراءالنهر) رفت. در موقع رسیدن
فرخی بدان حدود امیر ابوالمظفر بدان‌گاه رفته بود و امیر عمید اسعد ناظر امیر
مهارت فرخی را دانسته او را در حواص گرد قصیده‌ای بسیار هنگام شب فرخی قصیده‌ای
که مطلعش این است سرود

تا پرند تیلگون بر روی پوشد مرغزار

پرنیان هب رنگ اندر سر آرد کوهسار

فرخی در خدمت محمود غزنوی مقام ارجمند داشت . ترجمان البلاغه پندر
تالیف اوست لیکن از بین رفته است .

ابوالنجم احمد اهل دامغان است و ارقصیده سرایان در خدمت

منوچهری

بوده و اشعارش دارای لطف مخصوصی است . منوچهری

شاگرد ابوالفرج سیستانی بوده ولی گوی سخن از استاد بریود و مشهورتر از او
گردید . تخلص منوچهری از این سب است که آن شاعر مداح منوچهرین قاپوس
بن و شمشیر معروف به فلك المعالی بوده .

از شعراء معروف عصر خویش است و مذهب شیعه اثنی عشریه

کسائی

داشته و شاید باناصر خسرو مروزی که آئین اسمعیلی داشته

ملاقات کرده باشد ، در حال ناصر خسرو چندین مرتبه نام آن شاعر را در دیوان
خود برده و باینکه اشعار خود را بهتر از ابیات کسائی میدانسته معذک پلندی مقام
کسائی از این معلوم میشود که شخصی مانند ناصر خسرو او را حریف خود دانسته
است . کسائی سلطان محمود را مدح کرده است .

گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت

مردم کریمتر شود اندر نعیم گل

ای گل فروش گل چه فروشی برای سیم

در گل عزیز تر چه ستانی بسیم گل

از شعراء معروف آن دوره یکی شهبازی و دیگری

سایر شعراء

مهرامی سرخسی است که تألیفاتی در شعر دارد و در جای

خود ذکر خواهد شد .

ابومعین الدین ناصر خسرو الفارابی مروزی در زمان چغری

ناصر خسرو

بیک سلجوقی سمت تحصیلداری داشته و در سن چهل سالگی

از شراب خمر توبه نموده عزم بیت الله الحرام را کرد و در ۴۳۷ هجری از طریق شرقان

بمرو رفت و از آنجا به نیشابور رهسپار گردید و پس از زیارت معرّه بایرید بسطامی (در بسطام) از طریق دامغان به سمنان رسید. بالآخره از راه قروین در سنه ۴۳۸ به سریر آمده باقطران شاعر معروف ملاقاتی کرد از آنجا بهوان، اخلاط، میافارقین، حلب، و معرّه المعان رفت و باشاعر و فیلسوف عرب، ابو العلاء معری مربوط گردید. سپس از طریق طرابلس به بیروت و فلسطین آمد و بیت المقدس را زیارت کرده بطرف بیت الله رهسپار شد. پس از ادای مراسم اولین زیارت خود در معرّه معظمه در مراجعت بمصر رفت (۴۳۹) و دو یا سه سال در قاهره گذرانده مذهب اسمعیلیه را قبول کرد حکمران مصر در آن زمان المستنصر بالله خلیفه فاطمی بوده و در عصر او مصر نهایت آباد و امالی بخوشی و کامرانی روندگانی میکردند. ناصر خسرو یکی از دعاة مشهور اسمعیلیه گردید. سفرنامه او که وقایع فوق از آن استخراج شده نهایت معروف است و دیوان او کمال شهرت را دارد روشن نامه و سعادت نامه دو منظومه دیگر آن شاعر بزرگ است و رساله زاد المسافرین و وجه دین از تألیقات اوست. ناصر خسرو در سنه ۳۹۴ بدنیا آمده ولی در تاریخ فوت او اختلاف است و در هر حال در سن پیری یعنی قریب به ۶۵ یا ۷۰ سالگی وفات نمود.

قطران از شعراء بزرگ عصر خود بوده و رشیدالدین وطواط
قطران تبریزی
 او را در این فن استاد میداند. در ساختن اشعار مشکل از قبیل عریح، مخمس و دو القافیتین ید طولانی داشته است. ناصر خسرو او را در تبریز ملاقات کرده و قطران معنی بعضی از اشعار مشکل دیوان دقیقی را از او پرسیده یادداشت کرده است.

باباطاهر از فضلا و عرفاء عصر خود بوده و بگفته نویسنده
باباطاهر عریان
 «راحت الصدور» در عصر خویش بزهد و تقوی و وارستگی اشتهار داشته و طغرل بیک سلجوقی میر او را ملاقات کرده. نام باباطاهر در افواه حاص و عام ایرانی بیشتر بواسطه دو بیتی های دلچسب اوست. تاریخ زندگانی این عارف حقیقی در سب معلوم نیست و بعضی بر آنند که این سینه حکیم معروف باباطاهر را ملاقات کرده است.

ابوسعید در سنه ۳۵۶ هجری در مینه (خاوردان) بدنیآ آمد و یکی از بزرگان صوفیه است که عقاید و افکار آن طایفه را برای اولین مرتبه در رباعیات معروف خود بیان نموده . گویند این مرد عارف با ابن سینا ملاقات کرده و در ختم مجلس فیلسوف ایرانی چنین تقریر نمود آنچه من میدانم ابوسعید میبیند (وفات سنه ۴۴۰) .

ابوسعیدین
ابی الخیر

این شاعر از اهالی هرات است و در سنه ۳۹۶ هجری بدنیآ آمد و در ۴۸۱ بدرود حیات گفته است . مناجات و رباعیات او نیز شهرتی بسزا دارد .

شیخ عبداللہ
انصاری

راجع بتالیفات عربی او در فصل دانشمندان اسلام اشاره شد ، آثار فارسی وی غیر از رباعیات و مناجات عبارتست از زادالعارفین ، کتاب الاسرار ، حکایات یوسف وزلیخا .

علی پسر ابونصر احمد اسدی است و نباید او را با پندرش اشتباه کرد . علی اسدی صاحب گرشاسپ نامه و لغات فرس است . گرشاسپ نامه در حدود ۹ یا ۱۰ هجری است هرگز اشعار شاهنامه فردوسی و یک نسخه از آن بخط مؤلف که (در سنه ۴۴۷) هجری برشته تحریر در آورده اکنون در کتابخانه وین پایتخت اطریش موجود است .

اسدی طوسی

فخرالدین افسانه « ویس و رامین » که اصل آنرا از زبان پهلوی میدانند بنظم سروده و تقدیم عمید الدین ابوالفتح مظفر نیشابوری وزیر ظفرل بیک سلجوقی نموده است .

فخرالدین اسد
گرسانی

افسانه « وامق و عذرا » را که قبلا عنصری به نظم در آورده و اصل آنرا از زبان پهلوی میدانند فصیحی مجدداً به نظم مروده فصیحی در زمان عنصر المعالی کیکلوس (از احلاف قابوس بن وشمگیر میزیسته) و شاعر او بوده است

فصیحی گرسانی

ابوبکر یا ابوالمعاسن هروی پسر اسمعیل کتاب فروش هراتی است و در قصیده سرایان معروف و طرفه و وجه طغانشاه

ارزقی

سلجوقی بود . گویند روزی امیر مذکور در موقع بازی نرد ، دوشش میخواست
و دویک آورد ازرقی برای تسکین حشم او این دو بیت را گفت:

گر شاه دوشش خواست دو یک زخم افتاد

تا ظن نبری که کعبتین داد نداد

آن زخم که گرد رأی شاعشه یاد

در خدمت شاه روی بسر خاک نهاد

همچنین یکی از امرای سلجوقی کرمان را مدح گفته است و جز چند قصیده

از اشعار او چیز مهمی باقی نیست .

بموجب گفته دولت‌شاه مسعود اهل گرگان بوده است . سلطان

ابراهیم غریبی او را به اتهام رابطه باملکشاه سلجوقی در

قلعه «نای» محسوس ساخت و این شاعر اشعار نهایت مؤثر و

رییالی در زندان سرود ولی مزد ابراهیم مؤثر بیفتاده دوآورده سال در اسارت بسربرد .

در زمان ملک‌شاه سلجوقی آوازه سخنوری معزی در اطراف

اشتهار داشت و در عهد سنجر امیرالشعراء او گردید روزی

سنجر در تیراندازی خطا کرده تیرش بمعزی رسید او را بکشت . بعضی دیگر

بر آنند که امیر معزی پس از آن قضیه بهبودی حاصل کرد و این شعر را شاهد آوردند:

منت خدای را که بتیر خدایگان من بنده بی گنه نشدم کشته رایگان

راجع باین دانشمند و معام او در ریاضیات و نجوم سابقاً در

حسن دانشمندان ایران که بتازی آثاری از خود باقی

گذاشته اند سطر چند گفته شد . رباعیات خیام در آفاق شهرتی بسرا دارد ولی بعض

آنها متعلق بدیگران است که بخیام منسوب نموده اند . راجع باین دانشمند و حسن

صباح و حواجه نظام‌الملک حکایتی نقل کرده اند که چون عاری از حقیقت است از

دگر آن در این تألیف خودداری میشود اغلب رباعیات خیام دارای یک لطف

مخصوصی است و گوئی آن شاعر بزرگی چون توانسته معنای خلقت را از طریق

ریاضی یا از مشاهده اوضاع کواکب حل نماید در بحر حیرت فرورفته و در مسائل

مسعود سعد
سلطان

معزی

عمر خیام

حکمتی بنظر شك میگرد و چنین نتیجه میگیرد که این «دم» را نبایست از دست داد چه عاقبت کار مجهول است

این دو شاعر از شعرای دربار خضرخان (یکی از ایلاتک - خانهای ماوراءالنهر) بوده اند و عمیق سمت امیرالشعرائی خضرخان را داشته است.

عمیق بخارائی
ورشیدی

ادیب صابر دقیق و طواط بوده و یکدیگر را بسختی هجو کرده اند ابوزی و خاقانی ادیب صابر را در شعر گوئی برتر از رشیددانند. صابر اهل ترمذ بوده و مدتی از عمر خود را

ادیب صابری
اسماعیل

در مرو گذرانده است. روابط او در ابتدا با اتسر بدبود و قصایدی در مدح او دارد ولی در آخر بجرم ارتباط با سنجر پادشاه سلجوقی، اتسر حاکم حواریم او را در در جیحون شرف نمود (۵۴۲)

احمدبن عمر بن علی لقب نجم الدین داشته و از شعراء دربار ملوک غور بوده و چون سلطان سنجر لشکر غوریان را شکست داد نظامی محمود گردید مدتی خود را مخفی

نظامی عروضی
سمرقندی

دارد {۵۴۷}

مهمترین اثر نظامی عروضی که اسم او را باقی گذاشته است کتاب نثر اوست موسوم به «چهار مقاله» که در آن اطلاعات مهم ادبی و تاریخی یافت میشود

عبدالواسع اهل غرجستان است و بهمین جهت او را جملی نامند وی مدتی در هرات و غرنه بسر برده و طرف توجه سلطان بهرام شاه بن مسعود گردید.

عبدالواسع جملی

محمد بن علی ملقب به سوزی اهل نسف یا سمرقند است. در هرل سرائی بد طولائی داشته و بموجب گفته دولت شاه در

سوزی

۵۶۹ وفات کرده است از شاگردان او یکی علی سطرنجی است سراینده قصیده لکک و دیگر لامعی بخارائی است.

محمد بن عبدالجلیل عمری معروف به رشید و طواط شغلیش

رشید و طواط

منشیگری یا کتابت بوده و گذشته از اینکه در فن شعر گوئی

بهارت داشته چند اثر بشمار ادبانی است که ارهه مشهورتر حدایق السحر است
 در صنعت شعر - رشید دارای قد کوتاه بوده و بنظر ما چیزی می آمده است و شهرت
 او به و طواط ارهمین سبب است در دیوار اتسر خوارزمشاه قرب و عنزات داشته ولی
 مورد حشم او واقع گشت و تبعید گردید با ساحتن قصیده مؤثری مجدداً جلب توجه
 اتسرا نمود گویند چون سنجر شهر «هراراس» را محاصره کرده بود انوری
 این ابیات را نوشته بانییر شهر انداختند :

ایشاه همه ملک زمین حسب تود است

وز دولت اقبال جهان کسب تو راست

امروز بیک حمله هزار اسب بگیر

فردا خوارزم و صد هزار اسب تو راست

رشید و طواط که شاعر اتسر بود در جواب این شعر بسرود :

گر خصم تو ای شاه شود رستم گرد یک خر ر هزار اسب بتواند برد

چون سنجر آشپز را فتح کرد امرداد تا و طواط را همت پاره کند منتخب

الدین بدیع کاتب که یکی از اجداد عظاملك حوینی اسب گعب ای پادشاه و طواط

مرغ کوچکی است و نمیتوان او را هفت پاره کرد امر فرمائید تا او را دو قطعه اش

سایند . سنجر بخدید و ارتعصیر و طواط در گذشت و طواط در سن پیری در خوارزم

سنه ۵۷۸ وفات کرد .

مهستی دبی بوده است شاعره و در زمان سنجر میریسته و دارای

مهستی

طبع روان و از او رباعیاتی باقی است .

یکی از بزرگترین و معروفترین قصیده سرایان ایران است

انوری

در فن شعر بلاشک از اساتید است . در قریه ایبورد (نزدیک

مهنه در دشت خاوران خراسان) پدید آمده و در مدرسه منصوریه در طوس تحصیل

کرده در معلومات آن عصر حفظ و آفری حاصل نمود . توجه ملوک و امرا به شعر او

شاعری او را در این راه انداخت و در دربار سلطان سنجر مقرب گشت . گویند اولین قصیده‌ای که در حضور این پادشاه خواند مطلعش اینست:

گردل و دست بحر و کان باشد دل و دست خدایگان باشد

انوری در علم نجوم دستی داشت و پیش بینی کرد که بواسطه اجتماع ثوابت در برج میزان که در ایام سنجر رخ داد در وقت معین بادی حواحدوزید که سند های سکندری ویران خواهد شد . اتفاقاً در شب موعود چراغ کم نوری هم که بالای مناره میسوخت خاموش نگردد و این پیش آمد لطمه‌ای بر شهرت انوری وارد آورد .

انوری با مرتبه بلند شاعری پرندگانی آرام و تحقیق و تتبع در علوم میل داشت در آخر عمر خویش در بلخ بسربرد و در آن هنگام فتوحی مر و زی قصیده‌ای در هجو اهالی بلخ ساخته و نسبت آنرا با انوری داد و این شاعر بیچاره در دست عامه افتاده انواع توهین با و وارد آوردند بالنتیجه نزدیک بود قطع امیدش ارحیات شود که حمعی از دوستان او را مستخلص ساختند . در این خصوص انوری قصیده‌ای گفته که مطلعش این است :

ای مسلمانان فغان از جور چرخ چگیری

وز بغاق تیر و قصد ماه و کید مشری

تاریخ فوت انوری معلوم نیست ولی قطعاً بعد از سنه ۵۸۱ هجری بوده . از قصاید معروف و مؤثر انوری قصیده‌ایست که پس از قتل غر و اسارت سلطان سنجر گفته و مطلعش این است :

بر سمرقند اگر بگندی ای باد سحر نامه اهل حراسان به بر سلطان بر

انوری غیر از قصیده غزلیات و رباعیات و قطعات هم سروده است

افضل الدین ابراهیم بن علی شیروانی ابتدا تحقیقی محصل

داشته و بعد آنرا بنخاقانی مبدل کرد . تولدش در ۵۰ هجری

خاقانی

در گنجه واقع شد و پدرش علی نام پنجاری اشتعال داشته و مادرش از عیسویان نسلوری است که همکیش اسلام مشرف شد . خاقانی تحت توجه و تربیت عم خود